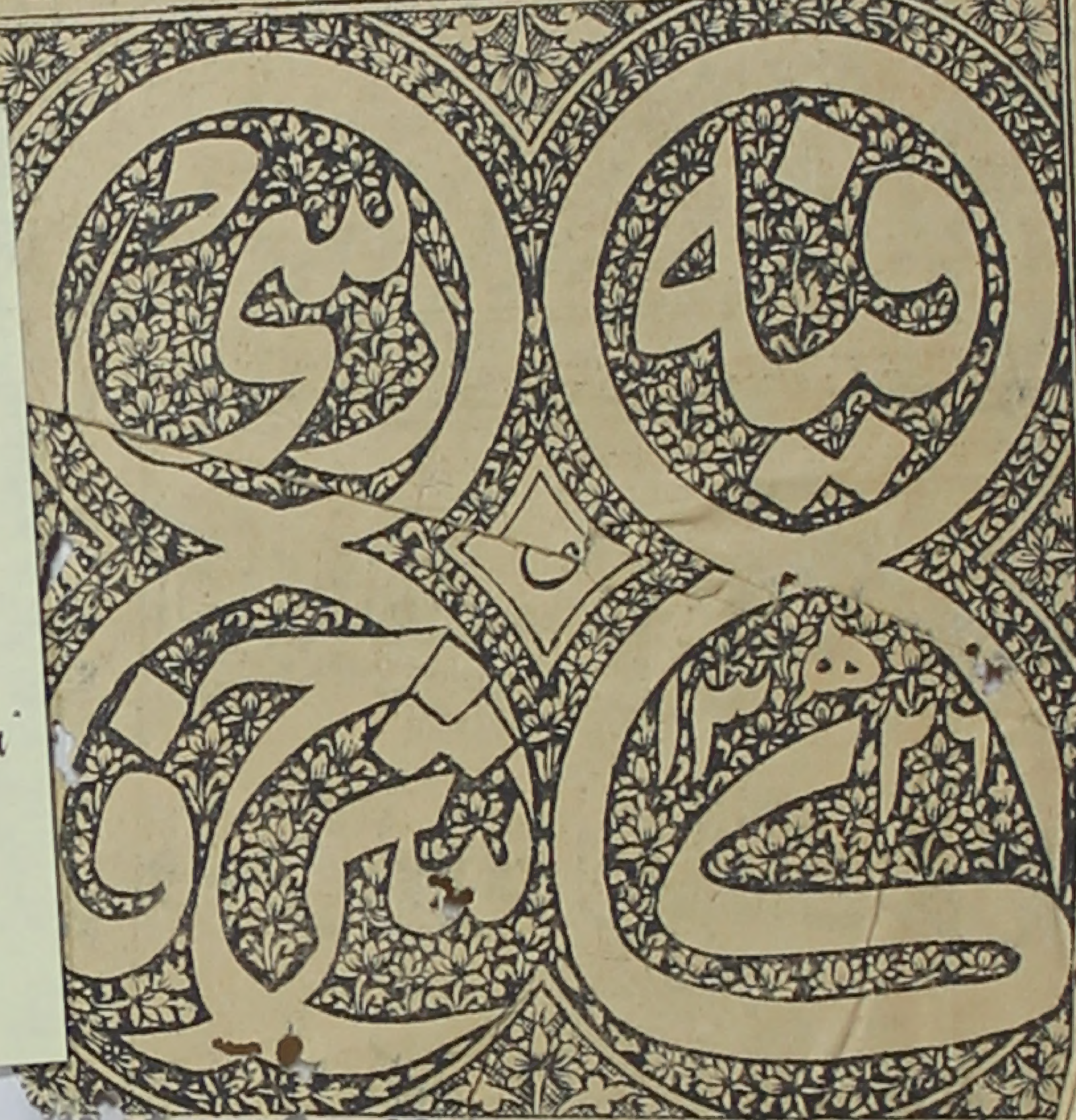


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

الحمد لله والمنته که درین ایام قرخی فرجام کتاب مستطاب و سیل غویی



Abouvi  
 Kafiya ha  
 Sharah farsī  
 کافیه فارسی  
 Kamel Pasha  
 1326 H  
 Naghaz Pen Delhi  
 Rodaf  
 45

دو ساله مؤلفات سیاحانه و کمالی شایسته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

45







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



Handwritten marginal notes at the top of the page, written in Arabic script, providing commentary on the main text.

الاعراب باختلاف آخره به ليدل على المعاني

المحتورة عليه وانواعه رفعه ونصبه وجرفه

علم الفاعلية والنصب علم المفعولية وتوابع علم

الاضافة العامل ما به يتقوم المعنى المقترن

للاعراب فالرفع المنصرف والجمعة المكسر المنصرف

بالضمة رفعاً والفتحة نصباً والكسرة جرّاً جمعة المؤنث

السالم بالضمة والكسرة غير المنصرف بالضم

والفتحة ابوك واخوك وحموك وهنوك وفوك

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the page, continuing the grammatical discussion and providing examples.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, continuing the grammatical discussion and providing examples.



وذو مال مضافة الى غيرياء المتكلم بالواو ولا لف

والياء المثنى وكلا مضافا الى مضمير واثنان و

اثنان بالالف والياء جمع المذكر السالم واولو

وعشرون واخواتها بالواو والياء التقدير فيما تعد

كعصا وغلami مطلقا واستثقل كفاض فعلا

وجرا ونحو مسلية رفعا واللفظي فيما عدا

غير المنصرف فافيه علمتان من تسع او واحد

منها تقوم مقام مهابا وهي تسع

Handwritten marginal notes in Arabic script, providing grammatical explanations and examples for the main text. The notes are written in a cursive style and cover the left and right margins of the page.



خروجہ عن صیغۃ الاصلیۃ تحقیقاً کثرت

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
والسلام على من لا ينال مثل مقامه ولا يبلغ مثاله في الدنيا والآخرة  
أما بعد فقد بلغني عن بعض السادة المشايخ الذين هم أهل البيت عليهم السلام  
أنهم قالوا في حق علي بن أبي طالب عليه السلام ما لم يقل غيره من خلق الله تعالى  
فقالوا هو خير الناس خلقا وأفضلهم منزلة وأعزهم مكانة وأجملهم صورة  
وأبرارهم خلقا وأقربهم إلى الله تعالى وأحبهم إليه وأصدقهم قولاً وأوفىهم عهداً  
وأعلىهم رتبة وأكبرهم شأن وأجلهم مقاماً وأتمهم حجة وأكملهم رسالة  
وأحسنهم خلقاً وأطيبهم طبعاً وأزهوهم بخلقاً وأجودهم خلقاً وأكرمهم نسباً  
وأشرفهم نسل وأرفعهم مرتبة وأسمىهم مقاماً وأجملهم صورة وأبرارهم خلقاً  
وأقربهم إلى الله تعالى وأحبهم إليه وأصدقهم قولاً وأوفىهم عهداً  
وأعلىهم رتبة وأكبرهم شأن وأجلهم مقاماً وأتمهم حجة وأكملهم رسالة  
وأحسنهم خلقاً وأطيبهم طبعاً وأزهوهم بخلقاً وأجودهم خلقاً وأكرمهم نسباً

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
والسلام على من لا ينال مثل مقامه ولا يبلغ مثاله في الدنيا والآخرة  
أما بعد فقد بلغني عن بعض السادة المشايخ الذين هم أهل البيت عليهم السلام  
أنهم قالوا في حق علي بن أبي طالب عليه السلام ما لم يقل غيره من خلق الله تعالى  
فقالوا هو خير الناس خلقا وأفضلهم منزلة وأعزهم مكانة وأجملهم صورة  
وأبرارهم خلقا وأقربهم إلى الله تعالى وأحبهم إليه وأصدقهم قولاً وأوفىهم عهداً  
وأعلىهم رتبة وأكبرهم شأن وأجلهم مقاماً وأتمهم حجة وأكملهم رسالة  
وأحسنهم خلقاً وأطيبهم طبعاً وأزهوهم بخلقاً وأجودهم خلقاً وأكرمهم نسباً  
وأشرفهم نسل وأرفعهم مرتبة وأسمىهم مقاماً وأجملهم صورة وأبرارهم خلقاً  
وأقربهم إلى الله تعالى وأحبهم إليه وأصدقهم قولاً وأوفىهم عهداً  
وأعلىهم رتبة وأكبرهم شأن وأجلهم مقاماً وأتمهم حجة وأكملهم رسالة  
وأحسنهم خلقاً وأطيبهم طبعاً وأزهوهم بخلقاً وأجودهم خلقاً وأكرمهم نسباً



عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْ تَحْرُكِ الْاَوْسَطِ أَوِ الْعَجْمَةِ فَمَهْدٌ

[illegible]



علاقه سالک  
در شرف طاعت  
علیه السلام

در شرف طاعت  
علیه السلام  
در شرف طاعت  
علیه السلام

در شرف طاعت  
علیه السلام  
در شرف طاعت  
علیه السلام

در شرف طاعت  
علیه السلام  
در شرف طاعت  
علیه السلام

بجوز صرفه وزینب وسقم و فاه و جور مستنع  
فان یسمی به مذکر فشرط الزیاده علی الثلاثه فقله  
منصرف وعقب فمتنع المعرفه شرطها ان تكون  
علمیه العجیه شرطها ان تكون علمیه فی العجمه  
او تحرك الاوسط او الزیاده علی ثلاثه فنوع منصرف  
و شتر و ابراهیم فمتنع الجمع شرط صیغه متنع  
الجموع بغيرها کمساجد و مصابیه و اما فراز  
فمنصرف و خضاجر علی الضبع غیر منصرف

در شرف طاعت  
علیه السلام  
در شرف طاعت  
علیه السلام

در شرف طاعت  
علیه السلام  
در شرف طاعت  
علیه السلام



قِيلَ وَجُودُ فَعْلٍ وَمِنْ ثَمَّ اخْتَلَفَ فِي رَحْمَنِ

من شخص است بهاری تقالی و غیره اطلاق کرده نمی شود بوجه این اختصاص صیغه مؤنث از مفقود است و در منع صرف سکران ۲۰  
لانه منقول عن الجمع و شر و یل ذالم یصرف  
وهو الاكثر فقد قيل لجمعه حمل على موازنه قيل  
عربی جمع یسر الیه تقدیرا و اذا صرف فلا اشکال  
و نحو جوار رفعا و جرا کفایض التریب شرط  
العلمیه وان لا یكون باضافه ولا اسناد مثل  
بعلک الالف والنون ان کانتا فی اسم  
فشرط العلمیه کمران او صفة فانتفاء فعلا  
وقیل وجود فعله و من ثم اختلف فی رحمٰن  
من اجل الحاقه فی الشرط ۱۲



من الجاهل بالعلم لو اراه  
علمه ياتيك يا اول  
من علمه ياتيك يا اول

الاولون من العلم لو اراه  
علمه ياتيك يا اول  
من الجاهل بالعلم لو اراه  
علمه ياتيك يا اول

# دون سكران وندمان وزن الفعل شرطه

ان يختص به كشر وضرب اويكون في اول

زيادة كزيادته غير قابل للتاء ومن ثم امتنع

احمر وانصرف يعمل وما فيه علمية مؤثرة

اذا انكر صرف لسايتين من انها لا تجتمع مؤثرة

الاما هي شرط في الا العدل وزن الفعل

وهما متضادان فلا يكون معهما الا احدهما فاذا

نكر بقي بلا سبب او على سبب واحد خالف

ان كانت العلمية بطريق اشارة طينة حيث يعدم المشروط عند عدم الشرط

استدلوا على ان اول العلم هو العلم بالعلم  
الاولون من العلم لو اراه  
علمه ياتيك يا اول  
من الجاهل بالعلم لو اراه  
علمه ياتيك يا اول

ان كانت العلمية بطريق اشارة طينة حيث يعدم المشروط عند عدم الشرط



وَالْأَصْلُ أَنْ يَلِيَ الْفِعْلَ فَلِذَاكَ جَازَ ضَرْبُ

[illegible]







[illegible]

و در جوابش آه اخلاص  
کرده بود فعل فتن کرده  
فقدان را واجبست فتن  
فان اهل انوار از شعله  
موسمی است که فتن کرده  
شد فعل را تعلیم کرده بود  
کن فعل را غایت و آینه بود  
و کلانان قریب بر نه است  
بر فتن فعل مطلق از اجبار  
و جب فتن ایکنه لازم و جب  
نیای هیچ در میان فتن  
ایام است و در فتن نامی بود  
است بخلاف جانبی فتنی  
زیر چه ایام در جلی برادر است  
عاجی فتن کرد و پیشوند  
قیام فتن فعل فاعل مجعول  
بودن فعل که با بر فتن  
در جوابش آه اخلاص  
کرده بود فعل فتن کرده  
فقدان را واجبست فتن  
فان اهل انوار از شعله  
موسمی است که فتن کرده  
شد فعل را تعلیم کرده بود  
کن فعل را غایت و آینه بود  
و کلانان قریب بر نه است  
بر فتن فعل مطلق از اجبار  
و جب فتن ایکنه لازم و جب  
نیای هیچ در میان فتن  
ایام است و در فتن نامی بود  
است بخلاف جانبی فتنی  
زیر چه ایام در جلی برادر است  
عاجی فتن کرد و پیشوند  
قیام فتن فعل فاعل مجعول  
بودن فعل که با بر فتن  
در جوابش آه اخلاص  
کرده بود فعل فتن کرده  
فقدان را واجبست فتن  
فان اهل انوار از شعله  
موسمی است که فتن کرده  
شد فعل را تعلیم کرده بود  
کن فعل را غایت و آینه بود  
و کلانان قریب بر نه است  
بر فتن فعل مطلق از اجبار  
و جب فتن ایکنه لازم و جب  
نیای هیچ در میان فتن  
ایام است و در فتن نامی بود  
است بخلاف جانبی فتنی  
زیر چه ایام در جلی برادر است  
عاجی فتن کرد و پیشوند  
قیام فتن فعل فاعل مجعول  
بودن فعل که با بر فتن

[illegible]

فعل ناقص میگوید و مفعول  
 او را در اول است نزدیک  
 فعل قطع است نزدیک  
 لیکن قطع است نزدیک  
 الا انما اگر چه که  
 در قطع است و مفعول  
 این عمل فعل اول باشد  
 او بخل شایع باشد  
 غلام بود بخل شایع  
 متصل و اول بعد از  
 متصل بود بعد از متصل  
 است از متصل بود  
 اثبات است ۱۲



على وفق الظاهر من الحذف خلافا للكم

لانه لا يجوز حذف الفاعل الا اذا شئ منه ١٢ لانه لا يجوز حذف الفاعل في الاول

وجاز خلافا للفرء وحذفت المفعول ان استغنى

لانه لا يجوز افعال الثاني عند اقتضار الاول الفاعل

عنه والا اظهرت وان اعملت اول اظهرت

لانه وان لم يستغن عنه ١٣ اي المفعول

الفاعل في الثاني والمفعول على المختار الا ان

يمنع مانع فتظهر وقول امرء القيس ع كفاني

لانه لا يمنع الاضمار والحذف فلا سبيل الا الى الاظهار ١٤

ولم اطلب قليل من المال ليس من لفساد

خبر ١٥ لانه من باب تناسخ الفاعل

المعنى مفعول ما لم يسم فاعله كل مفعول محذوف

فعل المسمى مفعول ١٦ لانه لم يذكر فاعله

فاعله واقم هو مقامة وشرطه ان تغير صيغته

فان كان المفعول هو المقامة وشرطه ان تغير صيغته فاعله واقم هو مقامة وشرطه ان تغير صيغته

فان كان المفعول هو المقامة وشرطه ان تغير صيغته فاعله واقم هو مقامة وشرطه ان تغير صيغته

هذا هو الظاهر من الحذف خلافا للكم  
لانه لا يجوز حذف الفاعل الا اذا شئ منه  
وجاز خلافا للفرء وحذفت المفعول ان استغنى  
عنه والا اظهرت وان اعملت اول اظهرت  
الفاعل في الثاني والمفعول على المختار الا ان  
يمنع مانع فتظهر وقول امرء القيس ع كفاني  
ولم اطلب قليل من المال ليس من لفساد  
المعنى مفعول ما لم يسم فاعله كل مفعول محذوف  
فاعله واقم هو مقامة وشرطه ان تغير صيغته



موصوف ۲۲

شرط ۱۲

جزء ۱۲ لے لفظوں کا لیسیم فاعل ۱۲

ایلم یوجده

موضوع ۷۲

## حالیہ:

[illegible][illegible]



المستكن " عال من الضمير

مثال اسم مجرور: عوامل خطیب که مندرج است ۳۳ مثال صفت واقع بعد حرف نفی ۱۲ بعد استفهام ۱۲ مثال

شرط ۱۲

افراز است از قسیم اول مبتدا ۱۲

۱۲ من اصابته النقیم

من و نحو التحفص ۱۲

من و نحو التحفص ۱۲

[illegible][illegible]



نداجزار مشرق سابق ۱۱

[illegible]



مثل آين زيد او كان مصححاً له مثل في الدار رجل و  
 متعلق ضمير في مبتدأ مثل على التمرة مثلها زيد الوكان  
 خبراً عن ان مثل عندك انك قائم وحب تقدمه وقد  
 يتعد الخبر مثل زيد عالم عاقل قد يتضمن لمبتدأ  
 معنى الشرط فيصير دخول لفاء في الخبر وذلك الاسم  
 الموصول بفعل وظرف والنكرة الموصوفة بهما مثل  
 الذي يأتي في اوفى الدار فله درهم وكل من ياتي  
 اوفى الدار فله درهم وليت ولعل مانعان بالاتفاق

مثل آين زيد او كان مصححاً له مثل في الدار رجل و  
 متعلق ضمير في مبتدأ مثل على التمرة مثلها زيد الوكان  
 خبراً عن ان مثل عندك انك قائم وحب تقدمه وقد  
 يتعد الخبر مثل زيد عالم عاقل قد يتضمن لمبتدأ  
 معنى الشرط فيصير دخول لفاء في الخبر وذلك الاسم  
 الموصول بفعل وظرف والنكرة الموصوفة بهما مثل  
 الذي يأتي في اوفى الدار فله درهم وكل من ياتي  
 اوفى الدار فله درهم وليت ولعل مانعان بالاتفاق

١٦  
 في قوله آين زيد او كان مصححاً له مثل في الدار رجل و  
 متعلق ضمير في مبتدأ مثل على التمرة مثلها زيد الوكان  
 خبراً عن ان مثل عندك انك قائم وحب تقدمه وقد  
 يتعد الخبر مثل زيد عالم عاقل قد يتضمن لمبتدأ  
 معنى الشرط فيصير دخول لفاء في الخبر وذلك الاسم  
 الموصول بفعل وظرف والنكرة الموصوفة بهما مثل  
 الذي يأتي في اوفى الدار فله درهم وكل من ياتي  
 اوفى الدار فله درهم وليت ولعل مانعان بالاتفاق

ان مبتدأ مثل آين زيد او كان مصححاً له مثل في الدار رجل و  
 متعلق ضمير في مبتدأ مثل على التمرة مثلها زيد الوكان  
 خبراً عن ان مثل عندك انك قائم وحب تقدمه وقد  
 يتعد الخبر مثل زيد عالم عاقل قد يتضمن لمبتدأ  
 معنى الشرط فيصير دخول لفاء في الخبر وذلك الاسم  
 الموصول بفعل وظرف والنكرة الموصوفة بهما مثل  
 الذي يأتي في اوفى الدار فله درهم وكل من ياتي  
 اوفى الدار فله درهم وليت ولعل مانعان بالاتفاق



خير المبتدأ ألا في تقديمه ألا إذا كان ظرفاً  
مستثنى مفرغاً ١٢

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







سَيِّرًا وَمِنْهَا مَا وَقَعَتْ فِصْلًا لَهُ ثَرْ مَضْمُونٌ بِجَمَلَةٍ

[illegible]



است این منجم احتمال دیگر  
که آن صدق و حق است  
بطلان

سنت چہ زینت  
جواست و جوہر و جہل صدق  
بود و نبود و بی رخ ای نام نہاد  
نول مطلق پاکباز

موت البید فاذا  
موت الحیا انکم الابرار صوت حار

فوائد دارالانشاء

میں نے فریضہ استغفار میں غفلت نہ کرنا

صوت یعقوب صوت حماد بود صوت  
علاجی است

تو ایست که در صوت  
تو ایست که در صوت  
تو ایست که در صوت

من اعم که آن ضمیر و درست و همچنین  
لکھی ای فاذا الصلح یعنی صلح  
تکملہ

بہارِ نبویؐ میں موضع گاہی

پیشتر که کارهای بسیار  
برای حفظ و برین موفیق است  
و بوجوب خدمت و کمال  
تفاهم فعلی که

[illegible]



**المفعول به هو ما وقع عليه فعل الفاعل نحو**  
**ضربت زيدا وقد تقدم على الفعل نحو زيداً ضربه**  
**وقد يحذف الفعل لقيام قرينة جوازاً كقولك**  
**زيداً لمن قال من أضرب وجواباً في رتبة مواضع**  
**الأول سماعي نحو اضرب نفسك وانتهوا خير لكم**  
**واهدأ وسهلاً والثاني المنادى هو المطلوب اقباله**  
**بحرف نائب مناب ادعولفظاً او تقديراً ويثني**  
**على ما يرفع به ان كان مفرداً معرفة نحو يا زيد**

المفعول به هو ما وقع عليه فعل الفاعل نحو  
 ضربت زيدا وقد تقدم على الفعل نحو زيداً ضربه  
 وقد يحذف الفعل لقيام قرينة جوازاً كقولك  
 زيداً لمن قال من أضرب وجواباً في رتبة مواضع  
 الأول سماعي نحو اضرب نفسك وانتهوا خير لكم  
 واهدأ وسهلاً والثاني المنادى هو المطلوب اقباله  
 بحرف نائب مناب ادعولفظاً او تقديراً ويثني  
 على ما يرفع به ان كان مفرداً معرفة نحو يا زيد

المفعول به هو ما وقع عليه فعل الفاعل نحو  
 ضربت زيدا وقد تقدم على الفعل نحو زيداً ضربه  
 وقد يحذف الفعل لقيام قرينة جوازاً كقولك  
 زيداً لمن قال من أضرب وجواباً في رتبة مواضع  
 الأول سماعي نحو اضرب نفسك وانتهوا خير لكم  
 واهدأ وسهلاً والثاني المنادى هو المطلوب اقباله  
 بحرف نائب مناب ادعولفظاً او تقديراً ويثني  
 على ما يرفع به ان كان مفرداً معرفة نحو يا زيد

المفعول به هو ما وقع عليه فعل الفاعل نحو  
 ضربت زيدا وقد تقدم على الفعل نحو زيداً ضربه  
 وقد يحذف الفعل لقيام قرينة جوازاً كقولك  
 زيداً لمن قال من أضرب وجواباً في رتبة مواضع  
 الأول سماعي نحو اضرب نفسك وانتهوا خير لكم  
 واهدأ وسهلاً والثاني المنادى هو المطلوب اقباله  
 بحرف نائب مناب ادعولفظاً او تقديراً ويثني  
 على ما يرفع به ان كان مفرداً معرفة نحو يا زيد



لا م یاری جنس و مراد از  
است یاری جنس و مراد از  
المنع و دخل یا علی

و الف و  
لا م یاری جنس و مراد از  
است یاری جنس و مراد از  
المنع و دخل یا علی

است قوله  
یا زید یا علی  
صفت است و وجه انحصار

است قوله  
یا زید یا علی  
صفت است و وجه انحصار

تجید است بلطاف  
بورک سناری  
نمادی تمام مقام

تجید است بلطاف  
بورک سناری  
نمادی تمام مقام

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت

و ضمیر الی صفت و الی صفت  
نمادی تمام مقام  
و ضمیر الی صفت و الی صفت



**فی المعطوف يختار الرفع وابوعمر والنصب قابو العباس**  
**ان كان كالحسن فكما خليل قال فكلبي عمرو والضم**  
**تنصب في البدل المعطوف غير ما ذكر حكمه حكم**  
**المستقل مطلقا والعلم الموصوف باین وابنة**  
**مضافا الى علم آخر يختار فتحه واذا نودي لمعرف**  
**باللام قيل يا ايها الرجل ويا هذا الرجل يا اي هذا**  
**الرجل والتزموا رفع الرجل لانه المقصود بالنداء**  
**وتوابع لانها توابع معرب وقالوا يا الله خاصة**

ان كان كالحسن فكما خليل قال فكلبي عمرو والضم  
 تنصب في البدل المعطوف غير ما ذكر حكمه حكم  
 المستقل مطلقا والعلم الموصوف باین وابنة  
 مضافا الى علم آخر يختار فتحه واذا نودي لمعرف  
 باللام قيل يا ايها الرجل ويا هذا الرجل يا اي هذا  
 الرجل والتزموا رفع الرجل لانه المقصود بالنداء  
 وتوابع لانها توابع معرب وقالوا يا الله خاصة

ان كان كالحسن فكما خليل قال فكلبي عمرو والضم  
 تنصب في البدل المعطوف غير ما ذكر حكمه حكم  
 المستقل مطلقا والعلم الموصوف باین وابنة  
 مضافا الى علم آخر يختار فتحه واذا نودي لمعرف  
 باللام قيل يا ايها الرجل ويا هذا الرجل يا اي هذا  
 الرجل والتزموا رفع الرجل لانه المقصود بالنداء  
 وتوابع لانها توابع معرب وقالوا يا الله خاصة

ان كان كالحسن فكما خليل قال فكلبي عمرو والضم  
 تنصب في البدل المعطوف غير ما ذكر حكمه حكم  
 المستقل مطلقا والعلم الموصوف باین وابنة  
 مضافا الى علم آخر يختار فتحه واذا نودي لمعرف  
 باللام قيل يا ايها الرجل ويا هذا الرجل يا اي هذا  
 الرجل والتزموا رفع الرجل لانه المقصود بالنداء  
 وتوابع لانها توابع معرب وقالوا يا الله خاصة



و توجیه الهادی جامع و تفصیل  
است شروع میکند

[illegible]

ولك في مثل ياتيم تيمع علي الضم والنصب المضاف  
للنادر ١٢

الى ياء المتكلم يجوز فيه يا غلامى يا غلامى ويا غلام

ويا غلاما وبالهاء وقفوا قالوا يا ابي ويا اُمِّي ويا

أَبَتْ وَيَا أُمَّتٍ فَتَنَّا وَكُسرًا وَيَا لَافٍ دُونَ الْيَاءِ

وَمَا يَنْبَغِي أَنْ يُقَالُ لِمَنْ رَوَى عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَدَةَ بْنِ أَبِي الْيَاسَرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ بْنِ أَبِي حَسَنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا ابْنُ آدَمُ اقْصِرْ رَأْيَكَ فِي هَذِهِ أَمْ لَا إِنَّكَ كُنْتَ قَبْلَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ

جائز و فی غیرہ ضرورۃ و هو حذف فی آخر کتفیفاً

شرطه ان لا يكون مضافا ولا مستغنا ولا

[illegible]



اے و مشروط ان یکون السنادی ۱۲

آزمایشگاه ۱۴

ای قبل ذلک بحرف ۱۲

المستجربة (التي لم يمسسها الفرج)

کلیں ۱۲  
کلیں و غنہ عشر  
والاستادی  
مربی الاضافی غیر

سے الموجد ۱۲

بائثات الواو ۱۲ بائثات الواو ۱۲

۱۲ العرب

جمله و يكون اما علمًا زائدًا على ثلثة احرف واما  
 بقاء التانيث فان كان في اخره زيادتان في حكم  
 الواحد كاسماء و مروان او حرف صحيح قبله  
 وهو اكثر من اربعة احرف حذفتا وان كان مركبًا  
 حذفت الاسم الاخير وان كان غير ذلك فحرف  
 واحد وهو في حكم الثابت على الاكثر فيقال يا حار  
 يا ثمي ويا كرو وقد يجعل اسمًا براسه فيقال يا حار  
 يا ثمي ويا كرو قد ستعملوا صيغة النداء في المند و



2

[illegible]

از قبیل  
 اصانت بگویند  
 و غلامیکه از غنای آن خردت از دیار و  
 چون غلامیکه از آن الف در بناسبت  
 ببلایان بل نولد و غلامیکه از  
 بد قوت کانت بگو که اجمل الف بنیاد  
 و وضع وقت بکنس خفت التبا  
 علامت حاجت بنگار و وقت ببلایان  
 بفت آبان حرف علت ببلایان  
 وقت بقبل ناسب باشد اگر بکنند  
 کسر است الف را ببلایان  
 و غلامیکه از غنای آن خردت از دیار و

الأعراب والبناء <sup>خبر</sup> حكم المنادى <sup>جاءك</sup> ولك زيادة الألف

وَأَعْلَا مَكُونَهُ وَلَكِنَّ الْهَاءَ فِي لَوْ قَدْ لَا يُنْدِبُ

الطويلة خلا قال يونس ويحجز حد فحرف  
خالف خلا ١٢

النمل والامع اسير الجنس والاشارة والمستغاث

والمندوب نحو يوسف <sup>يا يوسف</sup> أعرض عن هذا وإيها الرجل  
 من نمامخزون ست بقرنيه مقام يا بقرنيه أعرض ١٢

سخن نه غلام چاعت فی طبین  
از الف زاده افلاکم بکون  
خوا بود در وقت القاب  
چو بفیلم در وقت القاب  
است پس ابدال الف  
بواو از جهت موافقت  
حرکت اقبل با چارست  
که با قبل آن هم است  
در اصل معقول است  
که در اصل معقول است  
و کذا الکاسخ یعنی خانه  
مرا احاطه با الف آورد  
یا در حال وقت تا بیان  
تلفظ صورت



وَشَدَّ اصْبِرْ لَيْلٍ وَاقْتَدِ مَخْنُوقٌ وَأَطْرُقْ كَرَاوَقَهُ  
يُحْدِثُ الْمَنَادِي لِقِيَامِ قَرِينَةٍ جَوَازًا مِثْلَ الْإِيَابِ  
وَالثَّالِثُ مَا أُضْمَرَ عَامِلٌ عَلَى شَرْطِ التَّفْسِيرِ هُوَ  
كُلُّ سِمٍ بَعْدَ هِ فَفِعْلٌ وَشَبَهَةٌ مُشْتَغَلٌ عَنْ بَضِيرٍ  
أَوْ مُتَعَلِّقٌ لَوْ سَطَّ عَلَيْهِ هُوَ أَوْ مُنَاسِبَةٌ لِنَصْبِهِ  
مِثْلُ زَيْدٍ أَخْرَبْتَهُ وَزَيْدًا مَرَرْتُ بِهِ وَزَيْدًا خَرَبْتُ  
غُلَامًا وَزَيْدًا أَحْبَبْتُ عَلَيْهِ يُنْصَبُ بِفِعْلِ مَضْمَرٍ  
يُفْسَرُ مَا بَعْدَهُ أَيْ خَرَبْتُ وَجَاوَزْتُ وَأَهْنَيْتُ

وَشَدَّ اصْبِرْ لَيْلٍ وَاقْتَدِ مَخْنُوقٌ وَأَطْرُقْ كَرَاوَقَهُ  
يُحْدِثُ الْمَنَادِي لِقِيَامِ قَرِينَةٍ جَوَازًا مِثْلَ الْإِيَابِ  
وَالثَّالِثُ مَا أُضْمَرَ عَامِلٌ عَلَى شَرْطِ التَّفْسِيرِ هُوَ  
كُلُّ سِمٍ بَعْدَ هِ فَفِعْلٌ وَشَبَهَةٌ مُشْتَغَلٌ عَنْ بَضِيرٍ  
أَوْ مُتَعَلِّقٌ لَوْ سَطَّ عَلَيْهِ هُوَ أَوْ مُنَاسِبَةٌ لِنَصْبِهِ  
مِثْلُ زَيْدٍ أَخْرَبْتَهُ وَزَيْدًا مَرَرْتُ بِهِ وَزَيْدًا خَرَبْتُ  
غُلَامًا وَزَيْدًا أَحْبَبْتُ عَلَيْهِ يُنْصَبُ بِفِعْلِ مَضْمَرٍ  
يُفْسَرُ مَا بَعْدَهُ أَيْ خَرَبْتُ وَجَاوَزْتُ وَأَهْنَيْتُ

وَشَدَّ اصْبِرْ لَيْلٍ وَاقْتَدِ مَخْنُوقٌ وَأَطْرُقْ كَرَاوَقَهُ  
يُحْدِثُ الْمَنَادِي لِقِيَامِ قَرِينَةٍ جَوَازًا مِثْلَ الْإِيَابِ  
وَالثَّالِثُ مَا أُضْمَرَ عَامِلٌ عَلَى شَرْطِ التَّفْسِيرِ هُوَ  
كُلُّ سِمٍ بَعْدَ هِ فَفِعْلٌ وَشَبَهَةٌ مُشْتَغَلٌ عَنْ بَضِيرٍ  
أَوْ مُتَعَلِّقٌ لَوْ سَطَّ عَلَيْهِ هُوَ أَوْ مُنَاسِبَةٌ لِنَصْبِهِ  
مِثْلُ زَيْدٍ أَخْرَبْتَهُ وَزَيْدًا مَرَرْتُ بِهِ وَزَيْدًا خَرَبْتُ  
غُلَامًا وَزَيْدًا أَحْبَبْتُ عَلَيْهِ يُنْصَبُ بِفِعْلِ مَضْمَرٍ  
يُفْسَرُ مَا بَعْدَهُ أَيْ خَرَبْتُ وَجَاوَزْتُ وَأَهْنَيْتُ

وَشَدَّ اصْبِرْ لَيْلٍ وَاقْتَدِ مَخْنُوقٌ وَأَطْرُقْ كَرَاوَقَهُ  
يُحْدِثُ الْمَنَادِي لِقِيَامِ قَرِينَةٍ جَوَازًا مِثْلَ الْإِيَابِ  
وَالثَّالِثُ مَا أُضْمَرَ عَامِلٌ عَلَى شَرْطِ التَّفْسِيرِ هُوَ  
كُلُّ سِمٍ بَعْدَ هِ فَفِعْلٌ وَشَبَهَةٌ مُشْتَغَلٌ عَنْ بَضِيرٍ  
أَوْ مُتَعَلِّقٌ لَوْ سَطَّ عَلَيْهِ هُوَ أَوْ مُنَاسِبَةٌ لِنَصْبِهِ  
مِثْلُ زَيْدٍ أَخْرَبْتَهُ وَزَيْدًا مَرَرْتُ بِهِ وَزَيْدًا خَرَبْتُ  
غُلَامًا وَزَيْدًا أَحْبَبْتُ عَلَيْهِ يُنْصَبُ بِفِعْلِ مَضْمَرٍ  
يُفْسَرُ مَا بَعْدَهُ أَيْ خَرَبْتُ وَجَاوَزْتُ وَأَهْنَيْتُ



لا يثبت في الرفع بالابتداء عند عدم قرينة  
 خلافه او عند وجود اقوى منها كما قام غير الطلب  
 واذا للامعاجاة ويختار النصب بالعطف على جملة  
 فعلية للتناسب وبعد حرف النفي والاستفهام  
 واذا الشرطية وحيث وفي الامر والفعل اذ هي موقرة  
 الفعل عند خوف ليس المفسر بالصفة مثل انا  
 كل شيء خلقه بقدر ويستوى الامر ان في مثل  
 زيد قام وعمر اكرمه ويحب لنصب بعد حرف  
 في الاسم المذكور ١٢

وَلَا يَثْبُتُ وَيُخْتَارُ الرَّفْعُ بِالْإِبْتِدَاءِ عِنْدَ عَدَمِ قَرِينَةٍ  
 خِلَافِهِ أَوْ عِنْدَ جُودِ اقْوَى مِنْهَا كَمَا قَامَ غَيْرُ الطَّلَبِ  
 وَإِذَا لِلْمَعَاجَاةِ وَيُخْتَارُ النَّصْبُ بِالْعَطْفِ عَلَى جُمْلَةٍ  
 فَعَلِيَّةٍ لِلتَّنَاسُبِ وَبَعْدَ حَرْفِ النِّفْيِ وَالِاسْتِفْهَامِ  
 وَإِذَا الشَّرْطِيَّةِ وَحَيْثُ وَفِي الْأَمْرِ وَالْفِعْلِ أَذْهَى مَوَاقِعَ  
 الْفِعْلِ عِنْدَ خَوْفِ لَيْسَ الْمَفْسَرِ بِالصِّفَةِ مِثْلَ أَنَا  
 كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ وَيَسْتَوِي الْأَمْرُ فِي مِثْلِ  
 زَيْدٌ قَامَ وَعُمَرُ أَكْرَمْتُهُ وَيُحِبُّ النَّصْبُ بَعْدَ حَرْفٍ

لا يثبت في الرفع بالابتداء عند عدم قرينة  
 خلافه او عند وجود اقوى منها كما قام غير الطلب  
 واذا للامعاجاة ويختار النصب بالعطف على جملة  
 فعلية للتناسب وبعد حرف النفي والاستفهام  
 واذا الشرطية وحيث وفي الامر والفعل اذ هي موقرة  
 الفعل عند خوف ليس المفسر بالصفة مثل انا  
 كل شيء خلقه بقدر ويستوى الامر ان في مثل  
 زيد قام وعمر اكرمه ويحب لنصب بعد حرف  
 في الاسم المذكور ١٢

لا يثبت في الرفع بالابتداء عند عدم قرينة  
 خلافه او عند وجود اقوى منها كما قام غير الطلب  
 واذا للامعاجاة ويختار النصب بالعطف على جملة  
 فعلية للتناسب وبعد حرف النفي والاستفهام  
 واذا الشرطية وحيث وفي الامر والفعل اذ هي موقرة  
 الفعل عند خوف ليس المفسر بالصفة مثل انا  
 كل شيء خلقه بقدر ويستوى الامر ان في مثل  
 زيد قام وعمر اكرمه ويحب لنصب بعد حرف  
 في الاسم المذكور ١٢



الشرط وحرف التخصيص مثل ان زيدا ضربت  
ضربك والّا زيدا اضربت وليس ازيد ذهب  
به منه فالرفع وكذا لك كل شيء فعلاؤه في الزبر  
ونحو الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما  
مائة جلدة الفاء بمعنى الشرط عند المبرد وجملتان  
عند سيبويه والّا فالمختار النصب الرابع  
التحذير وهو معمول بتقدير انتق  
تحذير امّا بعده أو ذكر المحذّر منه مكررا

[illegible][illegible]



ای علی ظرف المكان المسمی ۱۲



وچودون و صوی ۱۲

الموضوعات

و ضمیمه مراد مصاحبه مفضل مع مجهول فعل نیست که مصاحبه مشارک بود و زبان واحد مثل صریح و زیاده مکان ملا مثل کفر  
و واجب نیست که مصاحبه مفضل مع مجهول فعل نیست که مصاحبه مشارک بود و زبان واحد مثل صریح و زیاده مکان ملا مثل کفر  
و واجب نیست که مصاحبه مفضل مع مجهول فعل نیست که مصاحبه مشارک بود و زبان واحد مثل صریح و زیاده مکان ملا مثل کفر

است که  
 است یعنی مضمون  
 چیست که در آنکه در این  
 در آنکه در این  
 در آنکه در این



نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی

نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی

معنی فان کان لفعل لفظا و جاز العطف فالوجه

مثل جمئت انا و زید و زید و لا تعین النصب

مثل جمئت و زید و ان کان معنی جاز العطف

تعین العطف نحو ما ل زید و عمرو و لا تعین النصب

مثل مالک و زید و ماشانک و عمر لان المعنی

ما تصنع الحال مایبین هیئت الفاعل و المفعول

لفظا و معنی نحو ضربت زید قائما و زید فی الدار قائما و هذا

زید قائما و عالمها الفعل و شبهه او معناه و شرطها

نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی

نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی  
نصف اول و نصف ثانی



*[A large section of handwritten Persian script follows, containing various definitions and grammatical rules.]*



بالماء والضمير او باحد هما ولا بد في لماضى المشب  
من قد ظاهرة او مقدرة ويجوز حذف العامل  
كقولك للمساافر اشدا مهديا ويحب في الموكدة  
مثل زيد بولك عطوفا اي احق وشرطها ان تكون  
مقدمة لمضمون بجملة اسمية التمييز ما يرفعها لاجلها  
المستقر عن ذات مذكورة او مقدرة فالاول  
عن مفعول مقل غالبا اما في عدد نحو عشرين  
درهما وسياتي واقا في غيره نحو رطل زيتا

بالماء والضمير او باحد هما ولا بد في لماضى المشب  
من قد ظاهرة او مقدرة ويجوز حذف العامل  
كقولك للمساافر اشدا مهديا ويحب في الموكدة  
مثل زيد بولك عطوفا اي احق وشرطها ان تكون  
مقدمة لمضمون بجملة اسمية التمييز ما يرفعها لاجلها  
المستقر عن ذات مذكورة او مقدرة فالاول  
عن مفعول مقل غالبا اما في عدد نحو عشرين  
درهما وسياتي واقا في غيره نحو رطل زيتا

بالماء والضمير او باحد هما ولا بد في لماضى المشب  
من قد ظاهرة او مقدرة ويجوز حذف العامل  
كقولك للمساافر اشدا مهديا ويحب في الموكدة  
مثل زيد بولك عطوفا اي احق وشرطها ان تكون  
مقدمة لمضمون بجملة اسمية التمييز ما يرفعها لاجلها  
المستقر عن ذات مذكورة او مقدرة فالاول  
عن مفعول مقل غالبا اما في عدد نحو عشرين  
درهما وسياتي واقا في غيره نحو رطل زيتا



وَعِلْمًا وَبِلِلَّهِ دَرْكًا فَارِسَاتُهَا كَانِ اسْمًا بِصُورِ جَلِّ

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



بَعْدَهَا غَيْرُ فُخْرٍ وَهُوَ مَنْصُوبٌ إِذَا كَانَ بَعْدَ الْكَلَامِ



ای کلامیکه درون فی و نهی و استنهام نباشد ۱۲

الأكثر أو ما خلا وما عدل وليس إلا يكون في نحو في النصيب

احقر از عن الموجب ۱۲

بالرفع على البدل ٣١

النفب علی الاستنارۃ

ظرف جبر مبتدا ۱۲۱

استشار من قوله في كلام غير موجب ١٢

[illegible]



کلام موجب نفی یا خبری یا شرطی  
 فعل ناقص ۱۲ خبر زال ۱۳ شرط ۱۴  
 فعل ناقص ۱۵ خبر زال ۱۶ شرط ۱۷  
 فعل ناقص ۱۸ خبر زال ۱۹ شرط ۲۰  
 فعل ناقص ۲۱ خبر زال ۲۲ شرط ۲۳  
 فعل ناقص ۲۴ خبر زال ۲۵ شرط ۲۶  
 فعل ناقص ۲۷ خبر زال ۲۸ شرط ۲۹  
 فعل ناقص ۳۰ خبر زال ۳۱ شرط ۳۲  
 فعل ناقص ۳۳ خبر زال ۳۴ شرط ۳۵  
 فعل ناقص ۳۶ خبر زال ۳۷ شرط ۳۸  
 فعل ناقص ۳۹ خبر زال ۴۰ شرط ۴۱  
 فعل ناقص ۴۲ خبر زال ۴۳ شرط ۴۴  
 فعل ناقص ۴۵ خبر زال ۴۶ شرط ۴۷  
 فعل ناقص ۴۸ خبر زال ۴۹ شرط ۵۰

الیوم کذا و من ثم لم یجز زال یذال عالمًا و اذا  
 تعدل البدل علی اللفظ فعلی الموضع مثل ط ب جاء فی من  
 احد لا زید ولا احد فیها الا عمرو و ما زید شیئًا الا  
 شیء لا یعیاب لان من لا تراد بعد لا ثبات و ما و  
 لا تقل ان عاملین بعد لانها عملت النفع قد  
 انتقض النفعی بکلا بخلاف لیس زید شیئًا الا شیئًا  
 لانها عملت للفعلیت فلا اثر فیها بالنقض معنی النفع  
 لبقاء کلامه العاملة هی لا جله و من ثم جاز لیس

کلام موجب نفی یا خبری یا شرطی  
 فعل ناقص ۱۲ خبر زال ۱۳ شرط ۱۴  
 فعل ناقص ۱۵ خبر زال ۱۶ شرط ۱۷  
 فعل ناقص ۱۸ خبر زال ۱۹ شرط ۲۰  
 فعل ناقص ۲۱ خبر زال ۲۲ شرط ۲۳  
 فعل ناقص ۲۴ خبر زال ۲۵ شرط ۲۶  
 فعل ناقص ۲۷ خبر زال ۲۸ شرط ۲۹  
 فعل ناقص ۳۰ خبر زال ۳۱ شرط ۳۲  
 فعل ناقص ۳۳ خبر زال ۳۴ شرط ۳۵  
 فعل ناقص ۳۶ خبر زال ۳۷ شرط ۳۸  
 فعل ناقص ۳۹ خبر زال ۴۰ شرط ۴۱  
 فعل ناقص ۴۲ خبر زال ۴۳ شرط ۴۴  
 فعل ناقص ۴۵ خبر زال ۴۶ شرط ۴۷  
 فعل ناقص ۴۸ خبر زال ۴۹ شرط ۵۰

کلام موجب نفی یا خبری یا شرطی  
 فعل ناقص ۱۲ خبر زال ۱۳ شرط ۱۴  
 فعل ناقص ۱۵ خبر زال ۱۶ شرط ۱۷  
 فعل ناقص ۱۸ خبر زال ۱۹ شرط ۲۰  
 فعل ناقص ۲۱ خبر زال ۲۲ شرط ۲۳  
 فعل ناقص ۲۴ خبر زال ۲۵ شرط ۲۶  
 فعل ناقص ۲۷ خبر زال ۲۸ شرط ۲۹  
 فعل ناقص ۳۰ خبر زال ۳۱ شرط ۳۲  
 فعل ناقص ۳۳ خبر زال ۳۴ شرط ۳۵  
 فعل ناقص ۳۶ خبر زال ۳۷ شرط ۳۸  
 فعل ناقص ۳۹ خبر زال ۴۰ شرط ۴۱  
 فعل ناقص ۴۲ خبر زال ۴۳ شرط ۴۴  
 فعل ناقص ۴۵ خبر زال ۴۶ شرط ۴۷  
 فعل ناقص ۴۸ خبر زال ۴۹ شرط ۵۰



عطف علی قولہ ہر منصوب ۱۲

بفتح السين وكسر باء مع اللام

۱۲ لفظ غیر ۱۲ جبر غیر ۱۲

5

حرف الشرط و كان فعل ناقص " اسم كان موصوف " صفة لا يمت  
 بنحو بشرطه

بہار مصنف ۱۲ مصنف الیہ

لا حلف علی کمان ۱۱

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







[illegible]

فَإِنْ كَانَ مَقَرُّهُ أَوْ بَنَى عَلَيْهِ بُيُوتًا فَإِنَّهُ يُنْصَبُ بِهِ وَآزَكَانِ

وَمِثْلُ قَضِيَّةٍ ۖ وَلَا أَبَا حَسَنِ لَهَا مَتَاوَلٌ ۖ وَفِي مِثْلِ

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ خَمْسَةٌ أَوْجِبُ فَتَحَهُمَا وَفَتَحَ

اول نصيب الثاني ورفعه ورفعه ورفعه الاول

على ضعفٍ وفيه الثاني وأذا دخلت الصلوة لم يتغير

مَلْ وَمَعْنَاهَا الْأَسْتَفْهَامُ وَالْعَرَضُ الْقَمْنِي

و فی مثل لاول آیه جلاله  
مستحق است فصل اول  
ای کورنی مثل لاول  
ولا فقه غنه آیه جلاله  
است که فقه جلاله  
و فی مثل لاول آیه جلاله  
و در اول مثل لاول  
که لانی غنه آیه جلاله  
و در اول مثل لاول  
و در اول مثل لاول



[illegible]



معنوية ولفظية فالمعنوية ان يكون المضاف غير

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳



وہابی پہنچا  
عبدالعزیز علی احباب  
سلیمان و ابوالفتح بنی نعیم  
الاحمدیہ

[illegible]

بود و از آن نعمت و عطا شد  
سوی عین صفات و صفات  
یابونی نام مستی و مستی  
طالع تویدی را

[illegible]

اینست که معنای این کلام  
 اینست که معنای این کلام  
 اینست که معنای این کلام

ایسا وی مضامین نام کی کتاب  
کا علیہ السلام اور بنی آدم

بنی عباس

صفة مضافة الى معمولها وهي ما بمعنى الامر فيما عد

حرف التزويد لا الظرف خبر المبتدأ

11

112,6

وقت ۱۲

جنس المضاف وظرفه أو بمعنى من في جنس المضاف

عطف على قوله من أجل مضاف ١٢ التي للبيان ١٣ انظر خبر مبتدأ محذوف ١٤

او بمعنی فی فی ظرف و هو قلیل مثل غلام زید بخاتم

خبر جنة المرحومون مثال للاقسام الثلاثة  
للمضامين المصنفة ١٥

فضة و ضرب اليوم و تفيد تعريفا مع المعرفة و تخصيصا

غریفہ علی قور عطف

المستكن قاعه ۱۲

مع النكرة بشرطها تجريد المضاف من التعريف وما

جند

تبر ۱۲۵

۱۴۱۳

مغزوہ ۱۲

إجازة الكوفيين من الثلاثة الاثواب وشبههم من العدم

بیان مقام

ضعيفاً واللفظية أن يكون المضاف مضافاً مضافاً

على الاضافة اللفظية ١٢ علامتها

خبر ۱۲

لی مجموعها مثل ضارب زید و حسن ا لوجه لا نقید

لا تفتد قمریہ

مناقة صفوة المرء من الفاعل

إضافة اسم الفاعل إلى المفعول

المفعول الفاعل والمفعول به ١٢

اراد

زیریں کیا

و غلو است بر اینست که اگر کسی  
که بخواهد باشد مدد و جگر دارد  
تجربیه منافع از نظر فنیست  
مضام کنند سیوی معلوم  
تحصیل حاصل لازم آید  
لازم آن طلبی بی تکلیف  
حصول آن با وجوب است  
نیز فی خصوصیات و  
کریانیات حاصل است

۱۲

قوله را اجوده

2

١٠٠

...

صنعتی و خدماتی

معانی ست میں فائدہ لغت و تحفہ

نیست و تعریف و تقصیر از

میت و تعریف و تخصیص از معانی است پس فاعله التعریف و مفعولها تخصیص و خواهد داد ۱۲



الوجه وأفتنح عرفت بزید حسن الوجه وجاز الضارب

زيد والضرار بوزيد وأمتنع الضارب زيد خلافاً

للفراء وَضَعَفَعَ الْوَاهِبُ مِائَةَ الْهِجَانِ وَعَبْدُهَا

وَأَنَّمَا جَازِ الضَّارِبُ الرَّجُلَ حَمَلًا عَلَى الْمُخْتَارِ فِي الْحَسَنِ

الوجير والضاربك وشبهه فيمن قال نأ مضاف

حَمْدًا عَلَى ضَارِبِكَ وَلَا يَضَافُ مَوْصُوفٌ إِلَى الصِّفَةِ

ولا صفة الى موصوفها ومثل مسجد الجامع وجانه

الاضافة في اللفظ ومن ثم جاز مرث برجل حسن  
الوجه واقتنع مرث بزيد حسن الوجه وجاز الضارب  
زيد والضارب بوزيد واقتنع الضارب زيد خلافا  
للفراء وضعف الواهب لمائة الهجان وعبد هان  
وانما جاز الضارب الرجل حملا على المختار في الحسن  
الوجه والضاربك وشبهه فيمن قال نه مضاف  
حملا على ضاربك ولا يضاف موصوف الى صفة  
ولا صفة الى موصوفها ومثل مسجد الجامع وجانب  
الوجه والضاربك وشبهه فيمن قال نه مضاف  
حملا على ضاربك ولا يضاف موصوف الى صفة  
ولا صفة الى موصوفها ومثل مسجد الجامع وجانب







وَدَعَمْنِي يَا الْمَكْتُومَ فَقَوْلَ عَصَى وَرَجَى ۱۲

عطف علی قولہ قلبت ۱۲

تفتشیدہ الیاء

الظرف متعلق بقوله يقال ۱۲

عطف علیہ ۱۲

خبر المبتدأ اراى من ضمها كسر اللام منع القار عليها ١٢

۱۲۱۵

من الاضافه

ای متلبس با غرابہ ۲

نجم رمضان ۱۲

مجتبىٰ

مقدمه می کند  
باعتبار شده در احوال فانی  
و مثل را که می در میان احوال  
در آن که در میان احوال  
نقشه و مثل و صفا در احوال  
مقصود از آن که در میان احوال  
بالتامی سالیان و در میان احوال  
در باب تقدیری و در میان احوال  
ای جمیع مطلقا یعنی بقدر  
نیست بودن هم مثل احوال  
نکته بحال را در میان احوال  
و که است این مثل احوال  
در میان احوال و در میان احوال  
چرا که شده در میان احوال  
مطلقا یعنی در میان احوال  
اضافه یا احوال را



والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين

والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين

سابقه من جهة واحدة النعت تابع يدل على معنى  
 في متبوعه مطلقاً وقائده تخصيصاً وتوضيحاً  
 وقد يكون لمجرد الثناء والذم والتوكيد نحو نفخة  
 واحدة ولا فصل بين ان يكون مشتقاً وغيره  
 اذا كان وضع لغرض المعنى عموماً نحو تيمى وذى  
 مال وخصوصاً مثل مرت رجل ي رجل مرت  
 بهذا الرجل يزيد هذا وتوصف النكرة بالجملة الخبرية  
 ويلزم الضمير ويوصف بحال لموصوفه وبحال

والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين

والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين  
 والمعنى هو ان كل واحد من هذه النعمتين لا يمكن ان يكون له معنى واحد بل هو مشترك بين النعمتين



لغة زوال لعل

تتبع في الاعراب

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

متعلق نحو مرت برجل حسن غلامه فالاول يتبع

في الاعراب والتعريف والتذكير والا افراد والتثنية

والجمع والتذكير والتانيث والثاني يتبع في الخمسة

الاول وفي البواقي كالفعل من ثم حسن قام

رجل قاعد غلمان وضعف قاعد من غلمان ويجوز

قعود غلمان والمضمر لا يوصف ولا يوصف به

والموصوف اخصل ومسا ومن ثم لم يوصف

ذواللام الا بمثله او بالمضاف الى مثله انما التزم

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف

نصف جمال الوصف



[illegible]



نحو مرت بك وبزید والمعطوف في حكم المصطف  
 عليه ومن ثم لم يحز في مازید بقائه وقاتم ولا  
 ذاهب عمر ولا الرقة وإنما جاز اللفظ في نصب  
 زید الدُّباب لا نهاء السببية واذا عطف على  
 عاملين مختلفين لم يحز خلافا للقراء إلا في نحو  
 في الدار زید والحجر عمر وخلافاً لسيبويه التاكيد  
 تابع يقرأ امر المتبوع في النسبة او الشمول وهو  
 لفظ ومعنوي فاللفظ تكرير اللفظ الاول نحو  
 صفات ١٢ صفة اللفظ ١٣ مثال اللفظ ١٤

في حكم المصطف عليه  
 من ثم لم يحز في مازید  
 بقائه وقاتم ولا  
 ذاهب عمر ولا الرقة  
 وإنما جاز اللفظ في  
 نصب زید الدُّباب  
 لا نهاء السببية  
 واذا عطف على  
 عاملين مختلفين  
 لم يحز خلافاً  
 للقراء إلا في نحو  
 في الدار زید  
 والحجر عمر  
 وخلافاً لسيبويه  
 التاكيد  
 تابع يقرأ امر  
 المتبوع في النسبة  
 او الشمول وهو  
 لفظ ومعنوي  
 فاللفظ تكرير  
 اللفظ الاول  
 نحو

في حكم المصطف عليه  
 من ثم لم يحز في مازید  
 بقائه وقاتم ولا  
 ذاهب عمر ولا الرقة  
 وإنما جاز اللفظ في  
 نصب زید الدُّباب  
 لا نهاء السببية  
 واذا عطف على  
 عاملين مختلفين  
 لم يحز خلافاً  
 للقراء إلا في نحو  
 في الدار زید  
 والحجر عمر  
 وخلافاً لسيبويه  
 التاكيد  
 تابع يقرأ امر  
 المتبوع في النسبة  
 او الشمول وهو  
 لفظ ومعنوي  
 فاللفظ تكرير  
 اللفظ الاول  
 نحو

صفات ١٢ صفة اللفظ ١٣ مثال اللفظ ١٤  
 صفات ١٢ صفة اللفظ ١٣ مثال اللفظ ١٤  
 صفات ١٢ صفة اللفظ ١٣ مثال اللفظ ١٤  
 صفات ١٢ صفة اللفظ ١٣ مثال اللفظ ١٤



جاءني زيدٌ زيدٌ ويَجْرِي في لافاظ كلها والمعنى  
 بالفاظ محصورة وهي نفس وعين وكلاهما وكله  
 واجمع واكتع وابتع وابصع فالاولان يعان باختلا  
 صيغتهما وضميرهما تقول نفسه ونفسها وانفسها  
 وانفسهم وانفسهن والثاني للمثنى تقول كلاهما  
 وكلتاها والباقي لغير المثنى باختلاف الضمير  
 كله وكلها وكلهم وكلهن والصيغة في لبواقي تقول  
 اجمع وجمعاء واجمعون وجمع ولا يؤكد بكل وجمع

اجمع  
 قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني

قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني

جاءني زيدٌ زيدٌ ويَجْرِي في لافاظ كلها والمعنى

بالفاظ محصورة وهي نفس وعين وكلاهما وكله

واجمع واكتع وابتع وابصع فالاولان يعان باختلا

صيغتهما وضميرهما تقول نفسه ونفسها وانفسها

وانفسهم وانفسهن والثاني للمثنى تقول كلاهما

وكلتاها والباقي لغير المثنى باختلاف الضمير

كله وكلها وكلهم وكلهن والصيغة في لبواقي تقول

اجمع وجمعاء واجمعون وجمع ولا يؤكد بكل وجمع

قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني  
 قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني  
 قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني

قوله لا يؤكد بك  
 تأكيدها ووجهه في قوله  
 كل واجمع واخواته او  
 صاحب خبره زيداً كجاءني  
 واجمع واخواته في قوله  
 لغيره خبراً بوجهه كجاءني



فَاعِلٌ وَمُضْتَفٍ ۱۲

اذا اريد تأكيد ١٢٥

جنتا ۱۲

۱۲۵۱

المعجم

۱۱۔ کل المبدل منه ۱۱

آج کل کے

من المدا

السلامة في جميع الأحوال



آدم غلام که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

والثانی جزءه والثالث بینه وبين الاول ملازمة  
بیل ابعص ۱۲ بیل الا شمال ۱۲  
بغيرهما والرابع ان تقصدا لیه بعد ان غلطت بغيره  
بیل الغلط ۱۲  
ویکونان معرفتین نکر تین ومختلفین واذا کان  
البدل ۱۲  
نکره من معرفت فالنعت مثل بالناصیة ناصیة کاذبة  
لے بدلان معرفه ۱۲ مبدل منه ۱۲ بیل ۱۲  
ویکونان ظاهرين ومضمین ومختلفین ولا یبدل  
ای المبدل والمبدل منه ۱۲ ای یکون احدیما ظاهرا والاخر مضمرا ۱۲  
ظاهر من مضمیر بدل لکل لاه من الغائب نحو ضربته  
استقار من قوله لا یبدل ای لا یبدل من کل مضمرا لاه من  
الغائب المضمرا  
زید اعطى البیان تابع غیر صفة یوخره متبوعا  
مبتدا ۱۲ خبر ۱۲  
مثل اقسم بالله ابو حفص عمر وفصل من البدل  
عطف بیان ۱۲ ای فرق عطف البیان ۱۲

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

بیل واری که در کمال و جاهل دور  
آنحضرت را می شناسد  
و آنرا در شریک دارم

نوعه  
سده که است  
سوی ملک که در خدمت غلام  
بهرای جان و دفع بر بند و ساری نماند



تیز من المجدور فی فضاۃ ۱۲ جلد ۱۱ خبر ۱۱ عطف بیان للباکری ۱۲ جلد ۲ مبتدا ۱۱

سر الأمانة الشفة السفلى في التلغظ ١٢

بضم الشفتين ١٢

امبیات

$$\frac{dy}{dx} = \frac{y}{x}$$

بالرفع عطف على الاسماء والاعلى الافعال

سر زب عن السماة الطاهرة

خود را متصل شود از کمال شرف و آبرو و عزت و مقام و قیام در آنجا و در آنجا که میسر است

وَلَا يَخَافُ الْعَذَابَ

بسم الله الرحمن الرحيم



عاصبا شندیا فون  
الاحصاء کریا مویش  
مطلقاً  
منش اہرب

خبر غریب

ذوالقادر خاں صاحب  
سید ابوبکر و اعوان

سیدنی گلبرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

مفت مطلقاً

مجلس تفتیش و تحقیق

پیشہ کی جامعیت کے لئے

مجلس شورای اسلامی  
مجلس شورای اسلامی  
مجلس شورای اسلامی

وہذا بیان دعا و دعا

از نصب و عزل

بکتابخانه جامع و متون کتب خطی

عقل و ادب و اخلاق و سیاست و اقتصاد و حقوق و طب و فقه و فلسفه و تاریخ و جغرافیه و...

پیشہ کا نام لکھو

الفرقة

ایک دن وہ اپنے دوستوں کے ساتھ

لَا يَنْفَعُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ يَوْمَئِذٍ إِلَّا الْفِئَةُ الظَّالِمَةُ

140

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

فانفصل المستقل بنفسه والمتصل غير المستقل

١٠  
 ١١  
 ١٢  
 ١٣  
 ١٤  
 ١٥  
 ١٦  
 ١٧  
 ١٨  
 ١٩  
 ٢٠  
 ٢١  
 ٢٢  
 ٢٣  
 ٢٤  
 ٢٥  
 ٢٦  
 ٢٧  
 ٢٨  
 ٢٩  
 ٣٠  
 ٣١  
 ٣٢  
 ٣٣  
 ٣٤  
 ٣٥  
 ٣٦  
 ٣٧  
 ٣٨  
 ٣٩  
 ٤٠  
 ٤١  
 ٤٢  
 ٤٣  
 ٤٤  
 ٤٥  
 ٤٦  
 ٤٧  
 ٤٨  
 ٤٩  
 ٥٠  
 ٥١  
 ٥٢  
 ٥٣  
 ٥٤  
 ٥٥  
 ٥٦  
 ٥٧  
 ٥٨  
 ٥٩  
 ٦٠  
 ٦١  
 ٦٢  
 ٦٣  
 ٦٤  
 ٦٥  
 ٦٦  
 ٦٧  
 ٦٨  
 ٦٩  
 ٧٠  
 ٧١  
 ٧٢  
 ٧٣  
 ٧٤  
 ٧٥  
 ٧٦  
 ٧٧  
 ٧٨  
 ٧٩  
 ٨٠  
 ٨١  
 ٨٢  
 ٨٣  
 ٨٤  
 ٨٥  
 ٨٦  
 ٨٧  
 ٨٨  
 ٨٩  
 ٩٠  
 ٩١  
 ٩٢  
 ٩٣  
 ٩٤  
 ٩٥  
 ٩٦  
 ٩٧  
 ٩٨  
 ٩٩  
 ١٠٠

و هو مرفوع و منصوب بحرف زفا لا و لان متصل  
 لے المرفوع والمنصوب ۱۲

وَمِنْ فَصْلٍ وَالثَّالِثُ مُتَّصِلٌ فَقَطْ ذَلِكَ خَمْسَةٌ

لے لا منفصل لہ الامتناع والفصل بین الجار والمجرور

۱۲۸ ۹ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

الواع الأول صريت وصريت إلى صرين وصريا  
للمفع والمقتل ۱۲

وَالثَّانِي أَنَا إِلَى هُنَّ وَالثَّالِثُ ضَرَبَتْنِي إِلَى ضَرْبَهُنَّ

۱۳۰۰  
 ۱۳۰۱  
 ۱۳۰۲  
 ۱۳۰۳  
 ۱۳۰۴  
 ۱۳۰۵  
 ۱۳۰۶  
 ۱۳۰۷  
 ۱۳۰۸  
 ۱۳۰۹  
 ۱۳۱۰  
 ۱۳۱۱  
 ۱۳۱۲  
 ۱۳۱۳  
 ۱۳۱۴  
 ۱۳۱۵  
 ۱۳۱۶  
 ۱۳۱۷  
 ۱۳۱۸  
 ۱۳۱۹  
 ۱۳۲۰  
 ۱۳۲۱  
 ۱۳۲۲  
 ۱۳۲۳  
 ۱۳۲۴  
 ۱۳۲۵  
 ۱۳۲۶  
 ۱۳۲۷  
 ۱۳۲۸  
 ۱۳۲۹  
 ۱۳۳۰  
 ۱۳۳۱  
 ۱۳۳۲  
 ۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳  
 ۱۴۸۴  
 ۱۴۸۵  
 ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷  
 ۱۴۸۸  
 ۱۴۸۹  
 ۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰  
 ۱۵۰۱  
 ۱۵۰۲  
 ۱۵۰۳  
 ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵  
 ۱۵۰۶  
 ۱۵۰۷  
 ۱۵۰۸  
 ۱۵۰۹  
 ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱  
 ۱۵۱۲  
 ۱۵۱۳  
 ۱۵۱۴  
 ۱۵۱۵  
 ۱۵۱۶  
 ۱۵۱۷  
 ۱۵۱۸  
 ۱۵۱۹  
 ۱۵۲۰  
 ۱۵۲۱  
 ۱۵۲۲  
 ۱۵۲۳  
 ۱۵۲۴  
 ۱۵۲۵  
 ۱۵۲۶  
 ۱۵۲۷  
 ۱۵۲۸  
 ۱۵۲۹  
 ۱۵۳۰  
 ۱۵۳۱  
 ۱۵۳۲  
 ۱۵۳۳  
 ۱۵۳۴  
 ۱۵۳۵  
 ۱۵۳۶  
 ۱۵۳۷  
 ۱۵۳۸  
 ۱۵۳۹  
 ۱۵۴۰  
 ۱۵۴۱  
 ۱۵۴۲  
 ۱۵۴۳  
 ۱۵۴۴  
 ۱۵۴۵  
 ۱۵۴۶  
 ۱۵۴۷  
 ۱۵۴۸  
 ۱۵۴۹  
 ۱۵۵۰  
 ۱۵۵۱  
 ۱۵۵۲  
 ۱۵۵۳  
 ۱۵۵۴  
 ۱۵۵۵  
 ۱۵۵۶  
 ۱۵۵۷  
 ۱۵۵۸  
 ۱۵۵۹  
 ۱۵۶۰  
 ۱۵۶۱  
 ۱۵۶۲  
 ۱۵۶۳  
 ۱۵۶۴  
 ۱۵۶۵  
 ۱۵۶۶  
 ۱۵۶۷  
 ۱۵۶۸  
 ۱۵۶۹  
 ۱۵۷۰  
 ۱۵۷۱  
 ۱۵۷۲  
 ۱۵۷۳  
 ۱۵۷۴  
 ۱۵۷۵  
 ۱۵۷۶  
 ۱۵۷۷  
 ۱۵۷۸  
 ۱۵۷۹  
 ۱۵۸۰  
 ۱۵۸۱  
 ۱۵۸۲  
 ۱۵۸۳  
 ۱۵۸۴  
 ۱۵۸۵  
 ۱۵۸۶  
 ۱۵۸۷  
 ۱۵۸۸  
 ۱۵۸۹  
 ۱۵۹۰  
 ۱۵۹۱  
 ۱۵۹۲  
 ۱۵۹۳  
 ۱۵۹۴  
 ۱۵۹۵  
 ۱۵۹۶  
 ۱۵۹۷  
 ۱۵۹۸  
 ۱۵۹۹  
 ۱۶۰۰  
 ۱۶۰۱  
 ۱۶۰۲  
 ۱۶۰۳  
 ۱۶۰۴  
 ۱۶۰۵  
 ۱۶۰۶  
 ۱۶۰۷  
 ۱۶۰۸  
 ۱۶۰۹  
 ۱۶۱۰  
 ۱۶۱۱  
 ۱۶۱۲  
 ۱۶۱۳  
 ۱۶۱۴

وَأَنبِئْنِي إِلَىٰ أَهْلِكُنَّ وَالرَّابِعَةُ أَيَّامِي إِلَىٰ أَيَّامِكُنَّ وَالْخَامِسُ

[illegible]

دری ری ری در ری سن نام و رسم

خاصة يستتر في الماضي للغائب والغائبة

[illegible][illegible][illegible]



والمضارع للمتكلم مطلقاً والمخاطب والغائب  
 والغائبة وفي لصفة مطلقاً ولا يسوغ المنفصل  
 إلا المتعد المتصل في ذلك بالتقديم على ملأ وبالفصل  
 لغرض وبالحذف أو تكون العامل معنوياً وحرفاً  
 والضمير مرفوعاً أو يكون مستنداً إليه صفة تجز  
 على غير من هي له مثل يالك ضربت قاضياً  
 أنا وإياك والشر وأنا زيد وما انت قائماً وهند  
 زيد ضاربته هي وإذا اجتمع ضميران وليس

والمضارع للمتكلم مطلقاً والمخاطب والغائب

تدبر النية الى المضارع الحكم نقداً استتار اسطفاً ١٢

والغائبة وفي لصفة مطلقاً ولا يسوغ المنفصل

لأن المضارع الضار واللاحق والمضارع الضار

إلا المتعد المتصل في ذلك بالتقديم على ملأ وبالفصل

بين الضمير وعامله ١٣

لغرض وبالحذف أو تكون العامل معنوياً وحرفاً

فعل السيرة فاعله قوله سند ١٤

والضمير مرفوعاً أو يكون مستنداً إليه صفة تجز

منه لصفة ١٥

على غير من هي له مثل يالك ضربت قاضياً

مثال للتقديم على العامل ١٦

مثال لفصل للغير من ١٧

أنا وإياك والشر وأنا زيد وما انت قائماً وهند

مثال كمن العامل محذوف ١٨

مثال كون العامل محذوف ١٩

زيد ضاربته هي وإذا اجتمع ضميران وليس

مثال السند ٢٠

مثال مستند ٢١

مثال من هي له ٢٢

مثال ضاربته هي ٢٣

مثال وإذا اجتمع ضميران ٢٤

مثال وليس ٢٥

والمضارع للمتكلم مطلقاً والمخاطب والغائب  
 والغائبة وفي لصفة مطلقاً ولا يسوغ المنفصل  
 إلا المتعد المتصل في ذلك بالتقديم على ملأ وبالفصل  
 لغرض وبالحذف أو تكون العامل معنوياً وحرفاً  
 والضمير مرفوعاً أو يكون مستنداً إليه صفة تجز  
 على غير من هي له مثل يالك ضربت قاضياً  
 أنا وإياك والشر وأنا زيد وما انت قائماً وهند  
 زيد ضاربته هي وإذا اجتمع ضميران وليس

والمضارع للمتكلم مطلقاً والمخاطب والغائب  
 والغائبة وفي لصفة مطلقاً ولا يسوغ المنفصل  
 إلا المتعد المتصل في ذلك بالتقديم على ملأ وبالفصل  
 لغرض وبالحذف أو تكون العامل معنوياً وحرفاً  
 والضمير مرفوعاً أو يكون مستنداً إليه صفة تجز  
 على غير من هي له مثل يالك ضربت قاضياً  
 أنا وإياك والشر وأنا زيد وما انت قائماً وهند  
 زيد ضاربته هي وإذا اجتمع ضميران وليس

والمضارع للمتكلم مطلقاً والمخاطب والغائب  
 والغائبة وفي لصفة مطلقاً ولا يسوغ المنفصل  
 إلا المتعد المتصل في ذلك بالتقديم على ملأ وبالفصل  
 لغرض وبالحذف أو تكون العامل معنوياً وحرفاً  
 والضمير مرفوعاً أو يكون مستنداً إليه صفة تجز  
 على غير من هي له مثل يالك ضربت قاضياً  
 أنا وإياك والشر وأنا زيد وما انت قائماً وهند  
 زيد ضاربته هي وإذا اجتمع ضميران وليس



کلام مع الیاء لاریت و دود  
نونی

[illegible]

لنگاہ دار و فرخانی  
لنگاہ دار و فرخانی  
لنگاہ دار و فرخانی

فی غریب کان کان صحیح افعال  
 ناقصه و فیکه آن خبر ضمیر بود  
 انفعال است با نحو انفعال  
 مثل کان زید قاتله در عمل  
 زیرا که خبر افعال واجب است  
 خبر مبتداست و چون خبر مبتدا  
 ضمیر بود در انفعال واجب انفعال  
 پس بر رعایت اصل نباشد  
 واجب بود که این انفعال  
 که خبر است اخبار افعال  
 بود شایسته بود فعلی  
 بنفعل است و مثل  
 رفوع و غیر بنفعل است  
 مثبت واجب انفعال  
 پس اگر کتاب بود واجب انفعال  
 نباشد خبر انفعال خبر  
 ضرورت اما انفعال بودن  
 شرط رعایت اصل بر رعایت  
 فتح و در ادوات

أَحَدُهُمَا مَرْفُوعًا فَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا عَرَفَ وَقَدْ مَتَّعَ

فَلَا تَخْيَارُ فِي الثَّانِي نَحْوًا عَطَيْتَكَ وَاعْطَيْتَ آيَةً

ایراد کی فی  
الہ مفصلاً  
۱۲

نہایت اہم اور اعلیٰ درجہ کی تعلیم حاصل کرنے والے طلبہ کیلئے یہ کتاب ایک قیمتی اضافہ ہے۔

بعد کلامی استغفار از فضائل رفیع است  
موفق باشید

فدوق الخرواق يمشو د مبدئ افند  
بور الفضل ادا واجبت  
واقع مبدئ

وَأَجِبْ عَنْ فاعِلٍ مُنْبِئٍ بِوَدِّهِ نَصْلًا وَ

بعد از آنکه در این شهر بود  
در این شهر بود

آمودا است بر سر بیدار  
مثل لولا که در خواب

وعلما که در بعضی از این  
اختلاف است نزدیک فتنه کاف  
محمود است واقع موقع مرفع از او  
تقع بعضی دیگر واقع

میشوند مثل با انکارات و مرآت  
سیریه فاقه در مقام  
از غنیمت

است و نیز در یکی از  
مجموعه لوحا با بدی باشد که  
است موقوف خودی بخش نصرت  
معدود و از این جهت

میکنند و با این درنات لکله درنات  
حرف جبهه

موسس و مدیر عامل موسسه  
موسسه فرهنگی و اجتماعی  
موسسه فرهنگی و اجتماعی

میتون استغفار از این  
نکاه میباید. همچنین این  
ضیاع است. و این ضیاع

آری ایلام است نیک و نایب

در مثل فصلی  
بما تو متصل شود و در عالم کبریا  
مفصل از من است  
در مثل فصلی  
بما تو متصل شود و در عالم کبریا  
مفصل از من است

وَقَدْ بَيَّانُوا مَعَهُ

وَأَن وَاخَوَاتِ أَوْ بَنَاتِ

ما تيان لون ورتك ان بو  
ايشان در غير لكان

مخافت سکون بنائی

۱۲

وضربك وضربي اياك والافهم منفصل نحو اعطيت

۱۱۱

لِيَاكُ أَوَايَاكُ وَالْمُخْتَارُ فِي خَيْرِ بَابٍ كَانَ أَلَا نَقْصَالُ

بقية

وَأَلَا كَثُرُوا ۖ أَنتَ إِلَىٰ آخِرَةٍ وَعَسَيْتَ إِلَىٰ آخِرِهَا

باب إيراد الضمير المرفوع المنفصل بعد صيغة تولاد والمنفصل بعد عسى ١٢

وَجَاءَ لَوْلَاكَ وَعَسَاكَ إِلَىٰ آخِرِهَا وَتَوْنُ الْوَقَايَةِ

بالتفصيل فيما ۱۲

مع الياء لازمة في الماضي في المضارع عَرَّيَا عَزَنُونَ

خالی ۱۲

الأعراب أنت مع النون فيه ولدن واث ولخواتها

استخدام

[illegible]



يسمى ضمير الشأن والقصة يَفَسُّ بِالْحَمْلَةِ بَعْدَهُ وَيَكُونُ

**مَحْذَرٌ وَيُخْتَارُ فِي لَيْتٍ وَمِنْ وَعَنْ وَقَدْ وَقَطُّ وَعَكْسُهَا**  
**لَعَلَّ وَيَتَوَسَّطُ بَيْنَ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ قَبْلَ الْعَوَائِلِ وَبَعْدَ**  
**صِيغَةِ مَرْفُوعٍ مُنْفَصِلٍ طَائِقٍ لِلْمَبْتَدَأِ وَتَسْمِيَةِ فَصْلٍ**  
**لِيَفْصَلَ بَيْنَ كَوْنِهِ خَبَرًا وَنَعْتًا وَشَرْطًا أَنْ يَكُونَ الْخَبَرُ**  
**مَعْرِفَةً أَوْ أَفْعَلَ مِنْ كَذَا امْتِلَ كَانَ زَيْدٌ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ**  
**عَمْرٍو وَلَا مَوْضِعَ لَهُ عِنْدَ الْخَلِيلِ بَعْضُ لَعَرَبٍ يَجْعَلُ**  
**مَبْتَدَأً وَمَا بَعْدَهُ خَبَرٌ وَيَتَقَدَّمُ قَبْلَ الْجُمْلَةِ ضَمِيرٌ غَائِبٌ**  
**يُسَمَّى ضَمِيرَ الشَّانِ وَالْقِصَّةِ يَقَسَّرُ بِالْجُمْلَةِ بَعْدَهُ وَيَكُونُ**

(Marginal notes on the right side of the main text block, including: "وَيُخْتَارُ فِي لَيْتٍ وَمِنْ وَعَنْ وَقَدْ وَقَطُّ وَعَكْسُهَا", "لَعَلَّ وَيَتَوَسَّطُ بَيْنَ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ...", "صِيغَةِ مَرْفُوعٍ...", "لِيَفْصَلَ بَيْنَ كَوْنِهِ...", "مَعْرِفَةً أَوْ أَفْعَلَ...", "عَمْرٍو وَلَا مَوْضِعَ...", "مَبْتَدَأً وَمَا بَعْدَهُ...", "يُسَمَّى ضَمِيرَ الشَّانِ...")



بازرسی و بازرسی

دردی  
و اصل این است  
دین اصل در اسلام است  
نزدیک به بیست

بزرگوار لغات که آن  
ست و مرا می

فصل اول

الاسماء الشريفة

۲۲

الحمد لله الذي جعل في كتابه  
الغيب ما لا يعلم الا هو

و این کتاب را در روز دوشنبه ۱۲۸۴

ذو النون ذاك ذاك لا اله الا هو  
ذو النون ذاك ذاك لا اله الا هو

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

۱۲۵

الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وكرمه

جاءت ووجلايت ودم  
انكاف وذاك الخ

بالحکام مستعمل در ترمین علیه السلام

ان من غفل عن كتابه  
وغيره

من بطلان صدق  
من بطلان صدق  
من بطلان صدق

وَمَا يَكْفُرُ بِهِ إِلَّا الْأَقَلُّ مِنَ النَّاسِ وَمَا يَشْكُرُ إِلَّا الْقَلِيلُ

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

چنانچه گفتند و بعد از آنکه گفتند ان  
چنانچه گفتند و بعد از آنکه گفتند ان  
چنانچه گفتند و بعد از آنکه گفتند ان

عالم بافتن باد و در  
دست کلاه  
پشتا بخت و فضل  
در عالم علی

از جنبه مثبت  
تعالیه السلام

مکتبہ رشیدیہ  
نشر و طبع  
کراچی

[illegible][illegible]

منفصلاً ومتصلاً مستتراً وبارزاً على حسب العوازل

فَهِوَ زَيْدٌ قَائِمٌ وَكَانَ زَيْدٌ قَائِمٌ وَانْهُ زَيْدٌ قَائِمٌ  
 شال انقصل ۱۲ شال انقصل ۱۳ شال انقصل ۱۴

وَحَدَفَ مِنْصُوبًا ضَعِيفًا لَأَسْعُرَ أَنْ إِذَا خَفَقْتَ فَإِنَّ

لازم اسماء الاشياء ما وضع لمشار اليه <sup>بمبدأ</sup> وهذا المذهب <sup>نحو</sup>

وَمِنْ ثَمَرِهِ ذَايْنٌ وَذِيْنٌ وَلِلَّهْوَ ثَاوْذِيْ وَتِيْ وَتِيْ

ورده وهي ودي وملتناة تان وتين وجميعها  
اي الملقى للموت  
الذكر والموت

ولا عمل ولا نصرا ويحجمها حرف التنبيه ويصلح  
 يدخل في لعل الاسماء الخاتمة ١٢  
 الاقارعة ١٣  
 اذ انما هو اسم  
 حروف الخصال وهن

[illegible]

وینیات با صفت  
اسرار اندر هر صفت  
واحد از آن بر او  
که در او شده است  
در پنج انصاف است  
در عقاید است  
قلوبی و فالندار  
سوی اسرار است  
محل این است که  
خودت بخاری  
اسرار صفا که  
حال که در زند  
الباقی و جان  
و مقتبل و لکن  
مکمل است

منفصلاً ومتصلاً مستتراً وبارزاً على حسب العوازل

فَهِوَ زَيْدٌ قَائِمٌ وَكَانَ زَيْدٌ قَائِمٌ وَانْهَ زَيْدٌ قَائِمٌ

وَحَدَفَ مِنْصُوبًا ضَعِيفًا لَأَسْعُرَ أَنْ إِذَا خَفَقْتَ فَإِنَّ

لازم اسماء الاشياء ما وضع لمشار اليه <sup>بمبدأ</sup> <sup>نحو</sup> وهذا المذنب

وَمِنْ ثَمَرِهِ ذَايْنٌ وَذَيْنٌ وَلِلَّهِ نَفْسٌ تَأْوِي وَيُؤْتِيهِ

ورده وهي ودي وملتناة تان وتين وجميعها  
اي الملقى للموت  
الذكر والموت

ولا عمل ولا نصرا ويحجمها حرف التنبيه ويصلح  
 يدخل في لعل الاسرار الخاتمة ١٢  
 الاقارعة ١٣  
 اذ انفسار له ويصل

رک الحظ و خمس و خمس و یون حسب

بدرمانه  
للخضاه  
نعمت بر شکر  
شکر بیکان  
شکر ایام  
شکر موت  
ای جگر  
شکر غفره  
ماید که بود  
و بود

وینیات با صفت  
اسرار اندر هر صفت  
واحد از آن بر او  
که در او شده است  
در پنج انصاف است  
در عقاب و کسب  
قلوب و فی الذکر  
سوی اسرار است  
محل این است که  
خودت بخاری  
اسرار صفا که  
حال که در زند  
الباقی و عاقل  
و مبتکر و لکن  
مکمل است











مَا الَّذِي وَجَوَابَهُ رَفَعُوا الْأَخْرَافَ شَيْءٌ وَجَوَابُهُ  
 عَلَى الْأَخْرَافِ عَزَّ وَجَلَّ

علی انہر بیتہ آ محذوف //

لغز و آه فانیست که به  
 تقدیر از آنکه در کوه افلاک  
 و در شرف ازین بی نصیب است  
 مقام از خیمه خالی از صاحب است  
 ازین ماصدات کلام از و  
 صفت بدین موصوف کلام  
 که صوف را نقطه خبر ازدیگر است  
 را که بر دانه و موصوف را  
 بجای خود نمیدانند موصوف را  
 از رویه برون فاضل از فاضل  
 بدین زید بر اگر از دم می آید  
 موصوف با صفت بود که بر  
 تا ان بحر را صفت و موصوف  
 صفت موصوف است

و قد عرفنا  
خلاف خبرنا في جميع  
كلمة عشق الذي تضمنه  
مجلس جازي نیست

حاصل بدین  
من حق القصص التوب  
تصاریف بدین توب  
ضمیمہ حاصل نمیشود

[illegible]

پس  
دارم و در این باره  
نشان دهنده  
حال در حال  
شرط حال

موضوع در موضع او بحالیت او

تقدیر تقدیر الہی علیٰ خلقہ

حکمتی عارفین و فیلسوفان  
 فیلسوفان و حکمتی عارفین  
 فیلسوفان و حکمتی عارفین  
 فیلسوفان و حکمتی عارفین

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
ما كنا لنهتدي لہ  
ما كنا لنهتدي لہ

مجلس عرفان و فطرت

[illegible]

وز  
موسولات تہذیب  
معربہ و بحیثیت ضعف شایع  
بحرث و جنبہ با اس کے  
مضامین و

الحق ايها المصطفى  
مربي من قولك لا اذاعت  
انما في الام

عقبات و قزاقان و غیره

بجای آیتیهایی که در این باب آمده است،  
و آنچه را که در این باب آمده است،

الغالبات

رب ما لا اصفى  
عنه الذي سئل  
ما لا اصفى

بخطه الذي استقام  
الى ارضي الذي استقام  
فقد استقامت فروعها  
فقد استقامت فروعها

و جواب درین  
تطابق جواب و سوال  
الکلام و جواب  
است و جواب درین  
است و جواب

است و از آن راه برودن بسیار میسر  
میشود و از آن راه که در اول  
فصل بیان شد بسیار آسانتر  
است

محدث  
فصل در تالیف و تالیفات  
در این باب است که در تالیفات  
در این باب است که در تالیفات

نویسند  
و اینک منصف و جلیب  
رج و غضب کرد \*



[illegible][illegible]

نصب السماء الأفعال ما كان بمعنى الأفعال

الماضي نحو رويد زيد اي أمهله وهيهات ذلك  
 مثال ما يكون بمعنى الامر ١٢  
 مثال ما يكون بمعنى الماضي ١٣

ای بعد و فعال بمعنی الامر من الثلاثی قیاس

كُنْزَالِ بِمَعْنَى اِنْزِلُ وَفِعَالٍ مَصْدَرًا مَعْرِفَةً كَفَجَارِ

وصفًا مثل يافساق مبنیٰ مشابحتہ لہ عد

وزينة وفعال علما للاعيان مؤنثا كقطام وغراب

مَبْنِيَّ فِي الْحِجَازِ وَمَعْرَبٌ فِي تَمِيمٍ إِلَّا مَا كَانَ فِي آخِرِهِ

رَاءٌ نَحْوِ حَضَارٍ إِلَّا صَوَاتٌ كُلُّ لَفْظٍ حُكِيَ بِهِ

فان هذا القسم بنى عن نبي كريم ايضا  
 جنة ۱۲  
 طالع باوض  
 لعمركم ان هذا القسم بنى  
 انما قال فطاعوا الله واطيعوا  
 الامام

[illegible]



صَوْتُ اَوْصَوْتُ بِهِ الْبَهَائِمَ فَلَاوَل كَغَاقِ الْبَهَائِمِ

كِنَّةُ الْمُرَكَّبَاتِ كُلُّ سَمٍ مِنْ كَلِمَتَيْنِ لَيْسَ بَيْنَهُمَا نَسَبٌ

فَان تَضَمَّنَ لثَانِي حَرْفَا بَيْنَا كَمِثَّةٍ عَشْرَ حُرُوفٍ عَشْرَ

وَإِخْوَاتِهَا إِلَّا اثْنِي عَشَرَ إِلَّا أَعْرَبَ لَنَا كَبَعْلِكَ وَبَنِي

الْأَوَّلِ عَلَى أَحَدِ الْكَلِمَاتِ كَمَا وَكَذَا لِلْعَدِّ وَكَيْتَ ذِي

لِلْحَدِيثِ فَكَمَا لَا سَفَرًا مَيَّةٌ هَمِيزُهَا مَنْصُوبٌ مَفْرُوعٌ وَالْخَبَرُ

مَجْرُومٌ مَفْرُوعٌ وَمَجْجُوعٌ وَتَدْخُلُ مِنْ فِيهِمَا وَلَهُمَا صَدْرُ

الْكَلَامِ وَكُلَاهُمَا يَقَعُ مَرْفُوعًا وَمَنْصُوبًا وَمَجْرُومًا فَكُلُّ مَا بَعْدَ

صوت او صوت به البهائم فلاوَل كغاق البهائم  
كننة المركبات كل سيم من كلمتين ليس بينهما نسب  
فان تضمن لثاني حرفا بينا كمثثة عشر حروف عشر  
واخواتها الا اثني عشر الا اعرب لنا كبعلك وبنو  
الاول على احد الكلمتين كما وكذا للعد وكيث ذو  
لحديث فكما لا سفر مية هميزها منصوب مفعول والخبر  
مجروم مفعول ومججوع وتدخل من فيهما ولهما صدر  
الكلام وكلهما يقع مرفوعا ومنصوبا ومجروما فكل ما بعد

صوت او صوت به البهائم فلاوَل كغاق البهائم  
كننة المركبات كل سيم من كلمتين ليس بينهما نسب  
فان تضمن لثاني حرفا بينا كمثثة عشر حروف عشر  
واخواتها الا اثني عشر الا اعرب لنا كبعلك وبنو  
الاول على احد الكلمتين كما وكذا للعد وكيث ذو  
لحديث فكما لا سفر مية هميزها منصوب مفعول والخبر  
مجروم مفعول ومججوع وتدخل من فيهما ولهما صدر  
الكلام وكلهما يقع مرفوعا ومنصوبا ومجروما فكل ما بعد

صوت او صوت به البهائم فلاوَل كغاق البهائم  
كننة المركبات كل سيم من كلمتين ليس بينهما نسب  
فان تضمن لثاني حرفا بينا كمثثة عشر حروف عشر  
واخواتها الا اثني عشر الا اعرب لنا كبعلك وبنو  
الاول على احد الكلمتين كما وكذا للعد وكيث ذو  
لحديث فكما لا سفر مية هميزها منصوب مفعول والخبر  
مجروم مفعول ومججوع وتدخل من فيهما ولهما صدر  
الكلام وكلهما يقع مرفوعا ومنصوبا ومجروما فكل ما بعد



Handwritten marginal notes in Arabic script, likely explaining the grammar rules of the main text. The text is dense and covers the top and sides of the page.

فعل غير مشغل عنه بضميره كان منصوباً  
معمولاً على حسبه وكل ما قبل حرف جرّ ومضارع  
فجروء والافروء مبتدأ ان لم يكن ظرفاً وخبر  
ان كان ظرفاً وكن لك اسما الاستفهام والشرط  
في مثل كم عمه لك يا جرير وخالة ثلثة اوجه قد  
يحدث في مثل كم مالك وكم ضربت الظرف  
منها ما قطع عن الاضافة كقبل وبعد

Handwritten marginal notes in Arabic script, continuing the grammatical explanations.

Handwritten marginal notes in Arabic script, continuing the grammatical explanations. The text is dense and covers the bottom and sides of the page.



وَأَجْرِي مَجْرَاهُ لَا غَيْرُ وَلَيْسَ غَيْرُ حَسَبِ وَمَنْهَا  
 حَيْثُ وَلَا يَضَافُ إِلَّا إِلَى الْجُمْلَةِ فِي الْأَكْثَرِ وَمَنْهَا إِذَا  
 وَهِيَ لِلْمُسْتَقْبَلِ فِيهَا مَعْنَى الشَّرْطِ وَلِذَا لِكَ الْخَتِيرُ  
 بَعْدَ هَا الْفِعْلِ وَقَدْ تَكُونُ لِلْمُفَاجَاةِ فَيَلْزَمُ الْمَبْتَدَأُ  
 بَعْدَهَا وَمَنْهَا إِذْ لَهَا ضَمٌّ وَيَقَعُ بَعْدَهَا الْجُمْلَتَانِ وَمَنْهَا  
 أَيْنَ وَأَيْنِ لِلْمَكَانِ اسْتِفْهَامًا وَشَرْطًا وَمَتَى لِلزَّمَانِ  
 فِيهَا وَأَيَّانَ لِلزَّمَانِ اسْتِفْهَامًا وَكَيْفَ لِلْحَالِ اسْتِفْهَامًا  
 وَمِنْ وَمِنْهُ بِمَعْنَى أَوَّلِ لَمَّةٍ فَيَلِيقُهَا الْمَفْرَدُ الْمَعْرُفَةُ

وَاَجْرِي مَجْرَاهُ لَا غَيْرُ وَلَيْسَ غَيْرُ حَسَبِ وَمَنْهَا  
 حَيْثُ وَلَا يَضَافُ إِلَّا إِلَى الْجُمْلَةِ فِي الْأَكْثَرِ وَمَنْهَا إِذَا  
 وَهِيَ لِلْمُسْتَقْبَلِ فِيهَا مَعْنَى الشَّرْطِ وَلِذَا لِكَ الْخَتِيرُ  
 بَعْدَ هَا الْفِعْلِ وَقَدْ تَكُونُ لِلْمُفَاجَاةِ فَيَلْزَمُ الْمَبْتَدَأُ  
 بَعْدَهَا وَمَنْهَا إِذْ لَهَا ضَمٌّ وَيَقَعُ بَعْدَهَا الْجُمْلَتَانِ وَمَنْهَا  
 أَيْنَ وَأَيْنِ لِلْمَكَانِ اسْتِفْهَامًا وَشَرْطًا وَمَتَى لِلزَّمَانِ  
 فِيهَا وَأَيَّانَ لِلزَّمَانِ اسْتِفْهَامًا وَكَيْفَ لِلْحَالِ اسْتِفْهَامًا  
 وَمِنْ وَمِنْهُ بِمَعْنَى أَوَّلِ لَمَّةٍ فَيَلِيقُهَا الْمَفْرَدُ الْمَعْرُفَةُ

وَمِنْ وَمِنْهُ بِمَعْنَى أَوَّلِ لَمَّةٍ فَيَلِيقُهَا الْمَفْرَدُ الْمَعْرُفَةُ  
 وَمِنْ وَمِنْهُ بِمَعْنَى أَوَّلِ لَمَّةٍ فَيَلِيقُهَا الْمَفْرَدُ الْمَعْرُفَةُ  
 وَمِنْ وَمِنْهُ بِمَعْنَى أَوَّلِ لَمَّةٍ فَيَلِيقُهَا الْمَفْرَدُ الْمَعْرُفَةُ



جیٹ دلاؤ اور  
پس جانیں  
تجربہ

برای ادوات

مفسر

الحمد لله



نورث و دواصدا در غرض و عاقلان را با کمال نهایت از فیض آن اسرار فواید اشکال انوار اسماء دلالت

مصفی از  
شروع که در  
دالات و عدم دالات  
السماع و دان الفاعلان که  
انبرای گیتی از یکیات  
اشهدای معدودات  
قولاصولها و اصول  
آن اسماء و دان  
فروع آن اسماء  
تایید یا تبیین  
یا جمع نمودن یا  
یا تفریق و دان  
عشر و دان  
در نمودن  
دلائل و دان  
نوشته حسب  
دسته که در  
نوشته



و ثنتا عشرة وثلاثة عشر الى تسعة عشر ثلاث عشرة  
 الى تسع عشرة و تميم تكسر الشين في لمونث و عشرون  
 واخواتها فيها واحد وعشرون احك وعشرون  
 ثم بالعطف بلفظ ما تقدم الى تسعة وتسعين و مائة  
 وال ف مائتان وال فان فيها ثمر بالعطف على ما تقدم  
 وفي ثمانى عشرة فتر الياء و جاز اسكانها و شد  
 حذ فيها بفتح النون و ميمر الثلاثة الى العشرة  
 مخفوض مجموع لفظا و معنى الالفى ثلثائة الى

و ثنتا عشرة وثلاثة عشر الى تسعة عشر ثلاث عشرة  
 الى تسع عشرة و تميم تكسر الشين في لمونث و عشرون  
 واخواتها فيها واحد وعشرون احك وعشرون  
 ثم بالعطف بلفظ ما تقدم الى تسعة وتسعين و مائة  
 وال ف مائتان وال فان فيها ثمر بالعطف على ما تقدم  
 وفي ثمانى عشرة فتر الياء و جاز اسكانها و شد  
 حذ فيها بفتح النون و ميمر الثلاثة الى العشرة  
 مخفوض مجموع لفظا و معنى الالفى ثلثائة الى

و ثنتا عشرة وثلاثة عشر الى تسعة عشر ثلاث عشرة  
 الى تسع عشرة و تميم تكسر الشين في لمونث و عشرون  
 واخواتها فيها واحد وعشرون احك وعشرون  
 ثم بالعطف بلفظ ما تقدم الى تسعة وتسعين و مائة  
 وال ف مائتان وال فان فيها ثمر بالعطف على ما تقدم  
 وفي ثمانى عشرة فتر الياء و جاز اسكانها و شد  
 حذ فيها بفتح النون و ميمر الثلاثة الى العشرة  
 مخفوض مجموع لفظا و معنى الالفى ثلثائة الى

و ثنتا عشرة وثلاثة عشر الى تسعة عشر ثلاث عشرة  
 الى تسع عشرة و تميم تكسر الشين في لمونث و عشرون  
 واخواتها فيها واحد وعشرون احك وعشرون  
 ثم بالعطف بلفظ ما تقدم الى تسعة وتسعين و مائة  
 وال ف مائتان وال فان فيها ثمر بالعطف على ما تقدم  
 وفي ثمانى عشرة فتر الياء و جاز اسكانها و شد  
 حذ فيها بفتح النون و ميمر الثلاثة الى العشرة  
 مخفوض مجموع لفظا و معنى الالفى ثلثائة الى



والثانية الى العاشر العاشرة لا غير باعتبار حال

۱۲۔ فی استعمال المعدوفی احد المعدودات ۱۲

15/11/2021

[illegible]



است بلفظ  
فقط لفظ  
الاول الثاني والاولى والثانية الى العاشر العاشر  
في المونث  
والحادى عشر الحادية عشرة والثاني عشر الثانية  
في المونث  
عشرة الى لتاسع عشر التاسعة عشرة ومن ثم قيل  
في المونث  
في الاول ثالث اثنين اى مصيرها ثلثة من ثلثتها  
وفي الثاني ثالث ثلثة اى اى حدها وتقول حادى عشر  
سلى باضافة المركب الى المركب الاخر  
احد عشر على لثاني خاصة وان شئت قلت حادى  
الاول من المركب الثاني  
احد عشر الى تاسع تسعة عشر فعرى الاول المذكور  
المذكور والمونث  
والمونث المونث ما فيه علامة التانيث لفظا  
بمبدأ  
خبر

الاول والثاني والاولى والثانية الى العاشر العاشر  
في المونث  
والحادى عشر الحادية عشرة والثاني عشر الثانية  
في المونث  
عشرة الى لتاسع عشر التاسعة عشرة ومن ثم قيل  
في المونث  
في الاول ثالث اثنين اى مصيرها ثلثة من ثلثتها  
وفي الثاني ثالث ثلثة اى اى حدها وتقول حادى عشر  
سلى باضافة المركب الى المركب الاخر  
احد عشر على لثاني خاصة وان شئت قلت حادى  
الاول من المركب الثاني  
احد عشر الى تاسع تسعة عشر فعرى الاول المذكور  
المذكور والمونث  
والمونث المونث ما فيه علامة التانيث لفظا  
بمبدأ  
خبر

است بلفظ  
فقط لفظ  
الاول الثاني والاولى والثانية الى العاشر العاشر  
في المونث  
والحادى عشر الحادية عشرة والثاني عشر الثانية  
في المونث  
عشرة الى لتاسع عشر التاسعة عشرة ومن ثم قيل  
في المونث  
في الاول ثالث اثنين اى مصيرها ثلثة من ثلثتها  
وفي الثاني ثالث ثلثة اى اى حدها وتقول حادى عشر  
سلى باضافة المركب الى المركب الاخر  
احد عشر على لثاني خاصة وان شئت قلت حادى  
الاول من المركب الثاني  
احد عشر الى تاسع تسعة عشر فعرى الاول المذكور  
المذكور والمونث  
والمونث المونث ما فيه علامة التانيث لفظا  
بمبدأ  
خبر

است بلفظ  
فقط لفظ  
الاول الثاني والاولى والثانية الى العاشر العاشر  
في المونث  
والحادى عشر الحادية عشرة والثاني عشر الثانية  
في المونث  
عشرة الى لتاسع عشر التاسعة عشرة ومن ثم قيل  
في المونث  
في الاول ثالث اثنين اى مصيرها ثلثة من ثلثتها  
وفي الثاني ثالث ثلثة اى اى حدها وتقول حادى عشر  
سلى باضافة المركب الى المركب الاخر  
احد عشر على لثاني خاصة وان شئت قلت حادى  
الاول من المركب الثاني  
احد عشر الى تاسع تسعة عشر فعرى الاول المذكور  
المذكور والمونث  
والمونث المونث ما فيه علامة التانيث لفظا  
بمبدأ  
خبر



بیت ۱۱۱ خمر ۱۲ لے عالم پر جہانگیر علامہ الفانٹ ۱۲

الحل للموقف ۱۱

۱۲ ذکر کائنات من طبع الجیولوجی احراز من نخله ۱۲

باعتبار الجملة ١٢ على ما يقتضيه الاصل ١٢

**او تقدیراً والمذکر بخلاف وعلامة التانیث التاء**  
**والآلف مقصورة او معددة وهو حقیق ولفظ**  
**فالحقیق ما یزائه ذکر من الحيوان كما مرأة وناق**  
**واللفظ بخلاف کظلمة وعین واذا اسند لفعل**  
**الیس فالتاء وانت فی الظاهر غیر الحقیق بالخیار حکم**  
**ظاهر الجمع غیر المذکر السالم مطلقاً حکم ظاهر غیر**  
**الحقیق وضمیر العاقلین غیر المذکر السالم فعلت**  
**وفعلوا والنساء والا یا رفعت وفعلن**



مقدمه یا از دلالت خود نموده  
در قصه را

والله اعلم

دالات علی  
مقام بعد از این از حوض معطر  
روان آمد که ما و ده معطر و با شند و قواله  
است از حوض  
مقام

مذکورہ بالا کے تحت

میں نے یہ تصدیق فرما دی کہ وہ ایک نیا  
عالم ہے جس میں ہر شے اپنے جگہ پر ہے

رکات و سکنات قضا و جمع و صبا و جمع  
در مضامین کتب معتبره و غیره و غیره

شتر و تقویٰ لفظ جدا کرد و در هر دو  
سما و جاس اگر چه  
نفع و زیان

اینست که در آن یکین بر او را  
حققت ما بین

استعمال پس از قوه خروج آنها

عدد در اقصای عالم

والتفعل مضارع من قول  
الاستغنى عن اربعين قول

مؤلفه استخراق  
کرامت

مجلس

[illegible]

المشقة ما لحق آخره الف أو ياء مفتوحة ما قبلها

وَنُونٌ مَكْسُورَةٌ لِيَدَّ عَلَى أَنْ مَعَهُ مِثْلُهُ مِنْ

جنسه فالمقصود أن كانت الفقه عن وأووهو

ثلاثي قلبت واوا و الا فبالياء والممد وذات

وَأَنَّ هَٰذَا صُلْبُ عِزِّهِ  
كَانَتْ هَزْرَتُهُ أَصْلِيَّةً ثَبَتَتْ وَأَنَّ كَانَتْ لِلتَّائِيثِ  
لِغَيْرِ زَائِمَةٍ وَلَا مُنْقَلَبٍ ۚ ۱۲

قُلِّيتْ وَأَوَّاوَا لَا فَالْوَجْهَانِ وَيُحَدِّثُ نُونَهُ لِلْإِضَافَةِ  
 حائز ان ۱۲ ای نون الکننی ۱۲

وَحَدَّثَ عَنْ تَأْثِيرِ التَّائِيثِ فِي خَصِيَّانِ وَالْيَانِ الْجَمُوعِ

مَادَّلَ عَلَيَّ أَحَادٍ مَقْصُودَةٌ بِحَرْفٍ وَمَقْصُودَةٌ بِتَغْيِيرٍ مَّا فَتَحِي

[illegible]

Handwritten notes in Persian script, likely bleed-through from the reverse side of the page.

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*



[illegible]



[illegible]

فَعَلَاءٌ مِثْلُ سَمَرِ جَهْرَاءٍ وَلَا فَعْلَانٌ فَعْلًا نَحْوُ سَكْرَانٍ سَكْرًا

اے مکتوبہ فطاریہ

۱۲۔ مؤنثہ فعلی

ولا مستويًا فيه مع المونث مثل جرير وصبور ولا بقاء

في ذلك الوصف ١٢

التأنيث مثل علامة وتحذف نونه بالاضافة وقشد

رسول

۱۲۱

نَحْوِ سِنَيْنِ وَأَرْضَيْنِ الْمَوْتُ فَأَلْحَقْ آخِرَهُ الْفُتُوءَ

لے آفر مغفرت ۱۲۵

۱۲ جمع الاحد

وَشَرَطَ أَنْ كَانَ صَفَةً وَلَمْ يَذْكُرْ أَنَّ يَكُونُ مَذْكُورًا

بِالْوَاوِ وَالنُّونِ وَأَنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ مَذَكَّرٌ فَإِنْ يَكُونُ حِجْرًا

على ذلك الاسم ١٢

كحائض ولا يجمع مطلقا جمع التكسير والتغير بناء وحده

لوقه ١٢ في تحقيقه

کرجال افراس جمع القلة افعُل افعال افعلة

[illegible]



فوجان اسم الفاعل ما اشتق من فعل من قام

وَفِعْلَةٌ وَالصَّحِيحُ مَا عَدَا ذَلِكَ جَمْعُ كَثْرَةِ الْمَصْدَرِ

اسم للحدث الجار على الفعل وهو من الثلاثي المجزئ سمي

وَمِنْ غَيْرِهِ قِيَاسٌ يَعْمَلُ عَمَلُ فَعْلَةٍ مَاضِيًا وَغَيْرَ إِذَا

لَوْ كَانَ مَفْعُولًا مَطْلُوقًا وَلَا يَتَقَدَّمُ مَعْمُولٌ عَلَيْهِ وَلَا

يُضْمَرُ فِيهِ وَلَا يَلْزَمُ ذِكْرُ الْفَاعِلِ قِيَمُونَ مُضَافَةٌ إِلَى

الْفَاعِلِ قَدْ يَضَافُ إِلَى الْمَفْعُولِ أَعْمَالُهُ بِاللَّامِ قَلِيلٌ

فَإِنْ كَانَ مَطْلُوقًا فَالْعَمَلُ لِلْفِعْلِ إِنْ كَانَ بَدَلًا مِنْهُ

فَوَجْهَانِ اسْمُ الْفَاعِلِ مَا اشْتَقَّ مِنْ فِعْلٍ لَمْ يَقَامْ



این که در اسم فاعل و مفعول  
و این زمان ماضی باشد و مفعول او  
ذکر کرده شود واجبست  
اصناف او

این که در اسم فاعل و مفعول  
و این زمان ماضی باشد و مفعول او  
ذکر کرده شود واجبست  
اصناف او

الحجرات الثلاثی

به معنی الحركات وصيغته من الثلاثي المجرد على  
فاعل من غير على صيغة المضارع بميم مضمومة وكس  
ما قبل الآخر نحو مدخل مستغفر <sup>١٢</sup> يعمل عمل فعله  
بشرط معناه الحال والاستقبال <sup>١٣</sup> الاعتقاد على صاحب  
او الهزة او ما فان كان للماضي وجبت الاضافة  
معنى خلافا للكسائي فان كان له معمول آخر  
فبفعل مقدر نحو زيد معطى عمره درهمين فان  
دخلت الامر استوى الجميع وما وضع منه للبالغه  
<sup>١٤</sup> لى على اسم الفاعل <sup>١٥</sup> لى الماضى والحال والاستقبال <sup>١٦</sup> بندها

بمعنى الحركات وصيغته من الثلاثي المجرد على  
فاعل من غير على صيغة المضارع بميم مضمومة وكس  
ما قبل الآخر نحو مدخل مستغفر <sup>١٢</sup> يعمل عمل فعله  
بشرط معناه الحال والاستقبال <sup>١٣</sup> الاعتقاد على صاحب  
او الهزة او ما فان كان للماضي وجبت الاضافة  
معنى خلافا للكسائي فان كان له معمول آخر  
فبفعل مقدر نحو زيد معطى عمره درهمين فان  
دخلت الامر استوى الجميع وما وضع منه للبالغه  
<sup>١٤</sup> لى على اسم الفاعل <sup>١٥</sup> لى الماضى والحال والاستقبال <sup>١٦</sup> بندها

این که در اسم فاعل و مفعول  
و این زمان ماضی باشد و مفعول او  
ذکر کرده شود واجبست  
اصناف او



معنى الثبوت و صيغتها مخالفة لصيغة الفاعل على  
 في مقابلة مشبهة ١٢

**كضرب ضرب مضرابٍ وعلیم وحلٍ مثله والمثله**  
**والجملوع مثله یجوز فتح النون مع العمل التعریف**  
**تخفیفاً اسم المفعول ما اشتق من فعل لمن وقع علیه**  
**صیغته من الثلاثی علی مفعول من غیره علی صیغه**  
**الفاعل بفتح ما قبل الآخر مستخرج وأمره فی العمل و**  
**الاشتراط کام الفاعل مثله ید معط غلامه رها الصفة**  
**المشبهة ما اشتق من فعل لازم لمن قام به علی**  
**معنی الثبوت و صیغتها مخالفة لصیغة الفاعل علی**



[illegible]



از این جهت است از آنکه  
از ضمیر که قیام الیه است  
ای از اشیاء موصوفه  
قدوم فی صفت مثل وجود دارد  
ضمیر در صفت مثل اشاره  
معمول ظاهر نمودن اشاره  
نیکو محض بسوی ضابطه  
معلومه در ضمیر در صفت معلوم  
نمودای و تکیه بر بی معلوم  
صفت مثبت الصفت مکرر بی  
ضمیر در صفت مثبت از آنکه  
معمول افعال است از آنکه  
ضمیر استر باشد فعل معلوم  
لازم بر بی صفت مثبت فعل  
است چنانچه فعل مثبتی و بی  
معمول افعال ظاهر  
افعالی بود

محتنعان مثل الحسن وجهه الحسن وجهه  
واختلف في حسن وجهه والبيواتي ما كان فيه  
ضمير واحد منها احسن وما كان فيه ضمير  
حسن وما لا ضمير فيه قبيح ومتى رفعت بها  
فلا ضمير فيها فهي كالفعل والافق فيها ضمير  
الموصوف فتوئت وتثني وتجمع واسم الفاعل  
والمفعول غير المتعديين مثل الصفة فيما  
ذكر اسم التفضيل ما اشتق من فعل



کرمه فیضیه از انجمن خیریه خیریه



يَعْلَمُ فَإِذَا أُضِيفَ فَلَهُ مَعْنِيَانِ أَحَدُهُمَا وَهُوَ أَكْثَرُ

لِاسْمِ تَفْضِيلٍ ١٢

أَنْ يُقْصَدَ بِالزِّيَادَةِ عَلَى مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ فَيُسْتَفْرَضُ

أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ مِثْلُ يَدِ أَفْضَلُ لِنَاسٍ فَلَا يَجُوزُ يَوْسُفُ

أَيُّ مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ ١٢

أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ كَخُرُوجِهِ عَنْهُمْ بِإِضَافَةِ إِلَيْهِ الشَّيْءِ

يُوسُفُ ١٢ أَيُّ الْأَخَوَةِ ١٢ أَيُّ الْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢

أَنْ يُقْصَدَ زِيَادَةُ مُطْلَقَةً وَإِضَافَةٌ لِلتَّوْضِيهِ فَيُجِزُ

يُوسُفُ أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ وَيَجُوزُ فِي الْأَوَّلِ لَا فَرَادَ

وَالْمُطَابَقَةُ لِمَنْ هُوَ وَأَمَّا الْثَانِي لِلْعَرَبِ بِاللَّامِ فَلَرُبَّةٌ

لِاسْمِ تَفْضِيلِ الْمَضَافِ الْمَقْصُودِ بِزِيَادَةِ مُطْلَقَةٍ ١٢

مِنْ الْمُطَابَقَةِ وَالَّتِي يَمِينُ مَعْرِضٌ مَذْكُورٌ لَا غَيْرَ لَا يَجْعَلُ فِي مَظْهَرِ

لِاسْمِ تَفْضِيلٍ ١٢  
يَعْلَمُ فَإِذَا أُضِيفَ فَلَهُ مَعْنِيَانِ أَحَدُهُمَا وَهُوَ أَكْثَرُ  
أَنْ يُقْصَدَ بِالزِّيَادَةِ عَلَى مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ فَيُسْتَفْرَضُ  
أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ مِثْلُ يَدِ أَفْضَلُ لِنَاسٍ فَلَا يَجُوزُ يَوْسُفُ  
أَيُّ مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ ١٢  
أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ كَخُرُوجِهِ عَنْهُمْ بِإِضَافَةِ إِلَيْهِ الشَّيْءِ  
يُوسُفُ ١٢ أَيُّ الْأَخَوَةِ ١٢ أَيُّ الْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢  
أَنْ يُقْصَدَ زِيَادَةُ مُطْلَقَةً وَإِضَافَةٌ لِلتَّوْضِيهِ فَيُجِزُ  
يُوسُفُ أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ وَيَجُوزُ فِي الْأَوَّلِ لَا فَرَادَ  
وَالْمُطَابَقَةُ لِمَنْ هُوَ وَأَمَّا الْثَانِي لِلْعَرَبِ بِاللَّامِ فَلَرُبَّةٌ  
لِاسْمِ تَفْضِيلِ الْمَضَافِ الْمَقْصُودِ بِزِيَادَةِ مُطْلَقَةٍ ١٢  
مِنْ الْمُطَابَقَةِ وَالَّتِي يَمِينُ مَعْرِضٌ مَذْكُورٌ لَا غَيْرَ لَا يَجْعَلُ فِي مَظْهَرِ

وَالْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢  
يَعْلَمُ فَإِذَا أُضِيفَ فَلَهُ مَعْنِيَانِ أَحَدُهُمَا وَهُوَ أَكْثَرُ  
أَنْ يُقْصَدَ بِالزِّيَادَةِ عَلَى مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ فَيُسْتَفْرَضُ  
أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ مِثْلُ يَدِ أَفْضَلُ لِنَاسٍ فَلَا يَجُوزُ يَوْسُفُ  
أَيُّ مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ ١٢  
أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ كَخُرُوجِهِ عَنْهُمْ بِإِضَافَةِ إِلَيْهِ الشَّيْءِ  
يُوسُفُ ١٢ أَيُّ الْأَخَوَةِ ١٢ أَيُّ الْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢  
أَنْ يُقْصَدَ زِيَادَةُ مُطْلَقَةً وَإِضَافَةٌ لِلتَّوْضِيهِ فَيُجِزُ  
يُوسُفُ أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ وَيَجُوزُ فِي الْأَوَّلِ لَا فَرَادَ  
وَالْمُطَابَقَةُ لِمَنْ هُوَ وَأَمَّا الْثَانِي لِلْعَرَبِ بِاللَّامِ فَلَرُبَّةٌ  
لِاسْمِ تَفْضِيلِ الْمَضَافِ الْمَقْصُودِ بِزِيَادَةِ مُطْلَقَةٍ ١٢  
مِنْ الْمُطَابَقَةِ وَالَّتِي يَمِينُ مَعْرِضٌ مَذْكُورٌ لَا غَيْرَ لَا يَجْعَلُ فِي مَظْهَرِ

وَالْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢  
يَعْلَمُ فَإِذَا أُضِيفَ فَلَهُ مَعْنِيَانِ أَحَدُهُمَا وَهُوَ أَكْثَرُ  
أَنْ يُقْصَدَ بِالزِّيَادَةِ عَلَى مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ فَيُسْتَفْرَضُ  
أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ مِثْلُ يَدِ أَفْضَلُ لِنَاسٍ فَلَا يَجُوزُ يَوْسُفُ  
أَيُّ مَنْ أُضِيفَ إِلَيْهِ ١٢  
أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ كَخُرُوجِهِ عَنْهُمْ بِإِضَافَةِ إِلَيْهِ الشَّيْءِ  
يُوسُفُ ١٢ أَيُّ الْأَخَوَةِ ١٢ أَيُّ الْإِنْسَانِ الْثَانِي ١٢  
أَنْ يُقْصَدَ زِيَادَةُ مُطْلَقَةً وَإِضَافَةٌ لِلتَّوْضِيهِ فَيُجِزُ  
يُوسُفُ أَحْسَنُ أَخَوْتِهِ وَيَجُوزُ فِي الْأَوَّلِ لَا فَرَادَ  
وَالْمُطَابَقَةُ لِمَنْ هُوَ وَأَمَّا الْثَانِي لِلْعَرَبِ بِاللَّامِ فَلَرُبَّةٌ  
لِاسْمِ تَفْضِيلِ الْمَضَافِ الْمَقْصُودِ بِزِيَادَةِ مُطْلَقَةٍ ١٢  
مِنْ الْمُطَابَقَةِ وَالَّتِي يَمِينُ مَعْرِضٌ مَذْكُورٌ لَا غَيْرَ لَا يَجْعَلُ فِي مَظْهَرِ



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
آله وصحبه وسلم  
هذا كتاب في النحو  
مؤلفه  
...

إذا كان صفة لشيء وهو في المعنى مسبب

مفضل باعتبار الأول على نفسه باعتبار

لـ مفضل على نفسه ١١

غيره منغياً مثل ما رأيت رجلاً أحسن في

موصوف ١٢ صفت ١٣

عينه الكل منه في عين زيد لانه بمعنى

فاعل حسن ١١ اى من الكل حال كونه في عين زيد ١٢

حسن مع انهم لورفعوا الفصلوا بينه وبين معمول

اسم التفضيل ١٢

باجنبى وهو الكل وان تقول حسن في عينه

الكل من عين زيد فان قد مت ذكر العين

فى هذه المسئلة ١١ على اسم التفضيل ١٢

قلت ما رأيت كعين زيد احسن فيها الكل

فاعل حسن ١٢

هذا كتاب في النحو  
مؤلفه  
...



المضلع ما اشبه الاسم بأحد حروفه نأيت لوقع مشتر

... ..



آن پند خردمند  
است و اهدا کند گنج گلاب

واحد و دو کا مجموعہ تین ہے

صفت القابخی خواندند چون که از  
پس جبل است از راه

مختص است و آن است که در این کتاب

فی الکرامی آه مراد از اولی است و ثانی

پس از هجرت منی بود مثل یکم است  
است باقی

افادات حرف بسوی اور باعی است

آن حرف که در میان خود در مصاحبه ها می شنیدید

اوست شش مهر و خنجر و  
در دستش شمشیر و خنجر و  
در پایش خنجر و خنجر و  
در کمرش خنجر و خنجر و

مفتی و  
رہنما تعلیم و ترویج  
و ترقی و ترقی و ترقی

فعل مضارع ای مضارع معقول  
مفعول به و مفعول  
نوع طاعت و عبادت  
المراد و است

معانی مختلفہ و شایستگی ہا  
نہاں نہ تواری معانی مختلفہ ہا  
نہاں نہ تواری معانی مختلفہ ہا

واحد و دو کا مجموعہ تین ہے

تکلیف و تحلیف و حالت  
بیگانه و غریبه و حالت  
تغیر و حالت تغییر و حالت

یا علیکم السلام ورحمة الله وبرکاته

وکیونکہ یہ  
یضربہ و لن یضرب  
یضربہ و لن یضرب  
یضربہ و لن یضرب

مجلس می باشد

نوں نہایت پروردگار

است و بخرم جبار

مات وصال نفیانی

است پس ناچار است از  
زوال آن

چمن افغان

بل او ختم قائم  
دان در غیر محاذ ممکن نیست



1117.

۱۲ دفع

ای حذف النون وذلك في حالتی الضبط الجرم ۱۲

خبر ۱۲

۱۵۲۵

۱۳۱۵

لاصاله الاعراب اللفظي وعدم المنافع

ننقل القصة على الواو والياء

تخفة الفتح ١٢

جزء ۱۳

نفاذ

لے المضاف مع ۱۲

المادة ١٤

نحو صرت حتی اذ علیها ۥ نحو صرت لا اذ علیها ۥ نحو کان لاند یغنیهم ۥ نه فی فاکر مک

مشال الفب كخزف النون ۱۲

شال، النصف، النصف

مخالفه بر این نقطه نظر

[illegible]



[illegible]

قال في قوله تعالى  
 يا ايها الذين آمنوا  
 اذكروا ان الله قد  
 خلق لكم من انفسكم  
 اخوانا فليكونوا  
 معكم في الحروب  
 والفتن والقتال  
 فليكونوا معكم  
 في الحروب والفتن  
 والقتال فليكونوا  
 معكم في الحروب  
 والفتن والقتال

لِلنَّاصِبَةِ ۱۲

عقد ۱۲

خبر ۱۲

تاكيداً وتأييداً التأكيد فقط والتأييد فقط على اختلاف المذاهب ١٢

تاكيداً وتأييداً التأكيد فقط والتأييد فقط على اختلاف المذاهب ١٢

بمقدمه

بمقدمه

اگر قول از قبل موصول است و ثالث مثالی است و احتمال معنی کند اردو چه نیز کلمه سبب غرض و جانشینیت و فعل مضارع برای استقبال است تحقیقاً زیرا که اسیر فعل مضارع است ۱۲



الحج لا مراكيب بعد النفل كان مثل ما كان الله

[illegible]

از آنکه هیچ  
فعلی باقی نماند  
مصدرا

بنا بر این که  
شکل او  
که سوال مذکور اصلا  
وارد و نیست و در هر دو  
لام و ح و ز و ی که  
کو فیان زاده است  
محض بر سبب تاکید  
فنی و نه و یک  
لجریان متعلق  
ست بحد ف یعنی  
قاصد الی معنی  
قوله لکن  
این باشد که اگر  
القدر قاصد از تقدیم  
و بر تقدیر تسلیم  
جواب اینکه مخالف  
محدود است یا نه  
کائن یعنی و اما  
صفا قدر تقدیم یا  
از خبر اولی و اما  
فالتقدیم یا آنکه  
ماول یا سیم داخل است  
یعنی و اما کان  
تقدیم یا



استقامت و صفا و تقوی  
و در این کتاب فیض و کرم  
و در این کتاب فیض و کرم  
و در این کتاب فیض و کرم

تخلی جن و  
یک سید بیدار دل سید مکر و دین  
است و اما کمال غنی و وجه تقدیر آن  
لا از کمالی اعطا کمال غنی و وجه تقدیر آن  
غنی الی الا مست و وجه تقدیر آن  
مطلقاً

نمی باشد که اسم بی از تقابله  
و از الحاق آه و حرف طاطفه  
طاطفه به کوره باشد یا به  
توینیکه معطوفت علی

خوارزمی و خوارزمی

و تعمیر آن بعد از دو سال و شش ماه و شش روز  
ماتکد و اولیای اعلیٰ و کرامت و افاضه  
مستوفی و برادر و  
نایب

بانه با خود و در بعضی تو که از اثر طاعت می آید  
که در حال است و اگر چه بدین

[illegible]

و بعضی از این تقویران از مکرر  
و بعضی از این تقویران از مکرر

بیت شریف و دیوارهای محراب  
از کتیبه های کهنه و نو  
که در این محراب کهنه و نو  
از کتیبه های کهنه و نو

[illegible][illegible]

يُبْعَدُ بِهِمُ وَالْقَاءُ بِشَرِّطَيْنِ أَحَدُهُمَا السَّبَبِيَّةُ وَالْأُخْرَى

ان يكون قبلها امر او نهي واستفهام او نفي وحين

أو عرض والواو بشرطين الجمعية وإن يكون قبلها

مثلك وأوْبشط معني الى أَنْ أَوْأَلَا أَنْ وَالطُّفْلَةُ

۹۲  
لکھنؤ  
مستطاب  
سن ۱۲۸۵  
نویں

اذا كان العطوف عليه اسما ويحوز اظهارة ان مع

لا مری والعاطفة ويحب مع لافى للام وينجزم بلم

ولها ولا امر ولا في النهي وكلم المجازات وهي ان

وَمِمَّا أَذَاهَا أَذَاهُا وَحَيْثَا وَآيِن وَمَتَى وَمَا وَمَنْ

[illegible][illegible]

این کتاب در سال ۱۳۰۲ هجری قمری  
در شهر تبریز چاپ شده است  
تألیف و تصحیف این کتاب  
بر عهده صاحبزاده آقا میرزا  
محمد تقی خان کمالی بوده است  
چاپخانه مطبعه آقا میرزا محمد تقی







و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

يجز الفاء وان كان مضارعاً مثبتاً او منفياً بلا  
 فالوجهان والا فالفاء ويجيء اذا مع الجملة الاسمية  
 موضع الفاء وان مقدرة بعد لامر والفعل الاستفهام  
 والتمني والعرض اذا قصد السببية نحو اسلم تدخل  
 الجنة ولا تكفر تدخل الجنة وامتنع لا تكفر تدخل النار  
 خلافاً للكسائي لان التقدير ان لا تكفر الا امر  
 صيغة يطلب بها الفعل من الفاعل مخاطب بـ  
 حرف المضارعة وحكم آخره حكم المجرى فان كان

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره  
 و اصل کما و آخره و اصل کما و آخره

است و صورت وجود ساکن مابقی سهای آن ساکن که سابق مذکور شد مثل اقل که بعد ساکن او منفرد است و اقرب بعد ساکن کسر است و علم بعد ساکن فتح است و



دصل ۱۲ = لغزله بزمه = علی انصفه بالنسب

وَإِضْرِبْ وَاعْلَمْ وَأَنْ كَانَ رَبًّا عِيًّا فَمُفْتَوِحَةٌ مَقْطُوعَةٌ

ما ضيأ خُصَمَّ أول وكسر ما قبل آخره ويضم الثالث مع همزة

حال ای مقروض مع التار الزائدة فی اوله ۱۲

اسی مثل باب قبل سے

لے لایجری الاشمام والواو فیہا عدم کون اقبل الیا رفعوا فی الاسل ۱۲

این غنای که در دهن برای او زنی که  
 حاصل است و او است بری زنی که  
 منافعش بکلیت منقول  
 و این غنای که در دهن برای او زنی که  
 حاصل است و او است بری زنی که  
 منافعش بکلیت منقول



[illegible]

وحررت المقابلة معاً على الملأ في ١٢

ریا یا با الف نفاذ کنی استیضای این کلمه و کثرت  
 نحو استیضای کثرت ج و کثرت استیضای این کلمه و کثرت  
 منفی یا عیانند بجا بیاورند منفی  
 ضرب و بجا بیاورند منفی  
 لول باشد و مصدری مثل استیضای این کلمه و کثرت  
 عین اول بود و مصدری مثل استیضای این کلمه و کثرت  
 منفی مثل استیضای این کلمه و کثرت  
 و علم و این هر دو

در این باب از این افعال کفعل اول اینها  
مثل مضول اول باب عکلت است در  
جاءنا قصداً بهیچوقت ما سویی مثل فکلت  
جاءنا قصداً دل مثل فکلت عکرا  
مثل هر دو مضول باب  
جاءنا و جاز

مستدیر ۱۲ مصول ۱۲ مستدیر ۱۲

مستندیا ۱۱ مفاعیل ۱۲

الأفعال المتعدية ١٢

سیدنا شمس الدین علی بن ابی طالب علیہ السلام

منطقاً و فصل غنائی  
عزیز و حبیب که صبر باغ و دریا  
قلب غنیمت آید اما از  
میدان غنیمت

در این کتاب، که در این کتابخانه است،



وَعَلَيْتُ رَأَيْتُ وَجَدْتُ تَدْخُلُ عَلَى الْجَمَلَةِ الرَّسْمِيَّةِ

لِبَيَانِ مَا هِيَ عَنْهُ قَتْنَصِبُ الْجَزَائِنِ وَمِنْ خَصَائِصِهَا أَنْ

اِذَا ذَكَرَ أَحَدُهَا ذَكَرَ الْآخَرَ بِخِلَافِ بَابِ عَطِيَّةٍ وَمِنْهُ لَجَازٌ

الْإِلْغَاءُ إِذَا تَوَسَّطَتْ وَتَاخَرَتْ لَا سِتْقَالَ الْجَزَائِنِ

كُلُّ مَا وَمِنْهَا أَنْهَا تَعْلُقُ قَبْلَ لَا سِتْفَهَامٍ وَالنَّفْعُ وَاللَّامُ

مِثْلُ عَلِمْتُ زَيْدٌ عِنْدَكَ أَمْرٌ وَمِنْهَا أَنْهَا يَجُوزُ أَنْ

يَكُونَ فَا عَلَهَا وَمَفْعُولُهَا ضَمِيرٌ لِمَنْ لَشَيْءٌ وَاحِدٌ مِثْلُ

عَلِمْتُ مَنْطِقًا وَلِبَعْضِهَا مَعْنَى آخَرٍ يَتَعَلَّقُ بِهِ إِلَى الْوَحْدَةِ

اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

على الجمل لا يتعدى فعله  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢

الضمير ضمير الالف واللام  
والتاخر عن فعله  
اللفظ ١٢  
أي بيب ذكر المعنى ١٢







ثُمَّ احْتَاجَ إِلَى كَلَامِهِ لَأَنَّهُ ظَرَفٌ وَلَيْسَ لِنَفْسِهِ مَضْمُونٌ

وهو فضله في الكلام ١٣

[illegible][illegible]



است که بعد از این فعل مضارع  
در محل رفع

واقع شده و در صورت  
اگر چه متغنی خواهد بود چنانچه  
کسی بدین صورت پیشتر نداشته باشد  
منشأست و کسی پیشتر نداشته باشد  
ان نیز می تواند باشد که  
تأیید آن را

تا خدا انقضه اگر از  
موضع و منصوب طلبا بگوشه  
فاصل علی گویند بر موضع اخلاص از نهاد  
قول و قدر بخت از رخ ای گاهی خلت کرده  
صدور از فضل و مضاف در  
از زبان بیخبر

مشهور است که کافور و صندل  
در این دو نوع از روغن ها

موضع است برای دلو خمر  
به فصول کاواست می گوئی کاواریه  
بکی ازید فاعل کاواست و یکی در علی  
است بنا برین و چون

[illegible]

داده شد ۱۱

باید که تقید کرد و شواهد را از این جهت  
فردی که این کتاب را نوشته است  
مقصود از این کتاب  
کتابخانه ای که این کتاب را  
کتابخانه ای که این کتاب را  
کتابخانه ای که این کتاب را

بسم الله الرحمن الرحيم  
 او جاز است که آنست که تقدیم فرموده است خود را  
 و بجا آنست که آنست که تقدیم فرموده است خود را  
 جاز است که آنست که تقدیم فرموده است خود را  
 جاز است که آنست که تقدیم فرموده است خود را

که کار نیست و فعل عامل توست و تمم دوم است  
افعال حمله که در این آیه آمده اند که در افعال اولان

مصدر یہ ہے کہ بعضی تقدیم معمول مصدر  
تقدیم باختلافی برقی تقدیم  
مصدر یہ ہے کہ بعضی تقدیم معمول مصدر  
تقدیم باختلافی برقی تقدیم

ما یجوز ان فی مالک جائز و میرا خلاف جمہور  
و ادیس این فصل

بجسب غنی لازم نمی آید و مذکور است که در این باب  
بزرگان از حدیثی روایت نموده اند که در این باب

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

الحکایت کلامی و مقامات محکم تقادیر

عَلَىٰ أَسْمَائِهَا وَهِيَ فِي تَقْدِيمِهَا عَلَيْهَا عَلَى ثَلَاثِ أَقْسَامٍ

یجوز و هو من كان الى راس و قسم لا يجوز و هو في اول  
 له يجوز تقويم خبر و عليه ۱۲  
 و هي احد عشر افعالا ۱۲

ما خلا قال ابن كيسان في غير ما دام و قسم مختلف  
 نفذ ۱۲

وهو ليس <sup>١٣</sup>فعال <sup>١٢</sup>للمقارنة ما وضع له نون الخبر جاء

او حصولة او اخذاً فيه فالاول حسه وهو غير متصرف

تَقُولُ عَسَىٰ زَيْدٌ أَنْ يَخْرُجَ وَعَسَىٰ أَنْ يَخْرُجَ زَيْدٌ قَدْرُ

مختلفان والتالی کاد لغول کادریدیچی وول

[illegible]



تَدْخُلُ أَنْ وَأَإِذَا دَخَلَ لِنَفْسٍ عَلَى كَادٍ فَهُوَ كَالْأَفْعَالِ  
عَلَى الْآخِرِ وَقِيلَ يَكُونُ لِلْإِثْبَاتِ وَقِيلَ يَكُونُ فِي الْمَضْمَعِ  
لِلْإِثْبَاتِ وَفِي الْمُسْتَقْبَلِ كَالْأَفْعَالِ تَمَسَّكَ بِقَوْلِ  
تَعَاوَاكَ كَادٌ وَيَفْعَلُونَ وَيَقُولُ ذِي الرُّمَّةِ شَعْرٌ  
إِذَا غَيَّرَ الْهَجْرَ الْمُحِبِّينَ لَمْ يَكُنْ رَسِيْسُ لُفُوْءٍ مِنْ حُبِّ  
مَيَّةٍ يَبْرَحُ وَالثَّالِثُ طَفِقَ وَكَرَبَ وَجَعَلَ وَأَخَذَ  
وَهِيَ مِثْلُ كَادٍ وَأَوْشَكَ مِثْلُ عَسَى وَكَادَ فِي  
الْإِسْتِعْمَالِ فَعُلَ لَتَعْجِبَ مَا وَضَعَهُ لِإِنْشَاءِ التَّعْجِبِ

[illegible]







و الباء للتعدي و زائدة ففیه ضمیر افعال ملحه  
 والزم ما وضعه لا نشاء ملحه او ذم فنه بانعم و بیس  
 و شرطهما ان يكون الفاعل معرفا بالامر او مضافا  
 الى المعرف بها او مضمرا ميمز ابتكرة منصوبة او بامثل  
 فتحملها و بعد ذلك المخصوص هو مبتدأ ما قبل خبره  
 او خبر مبتدأ محذوف مثل نعم الرجل زيد و شرطه  
 مطابقة الفاعل بیس مثل لقوم الذين كذبوا و شبه  
 متاول وقد يحذف المخصوص اذا علم مثل نعم العبد

و الباء للتعدي و زائدة ففیه ضمیر افعال ملحه  
 والزم ما وضعه لا نشاء ملحه او ذم فنه بانعم و بیس  
 و شرطهما ان يكون الفاعل معرفا بالامر او مضافا  
 الى المعرف بها او مضمرا ميمز ابتكرة منصوبة او بامثل  
 فتحملها و بعد ذلك المخصوص هو مبتدأ ما قبل خبره  
 او خبر مبتدأ محذوف مثل نعم الرجل زيد و شرطه  
 مطابقة الفاعل بیس مثل لقوم الذين كذبوا و شبه  
 متاول وقد يحذف المخصوص اذا علم مثل نعم العبد

و الباء للتعدي و زائدة ففیه ضمیر افعال ملحه  
 والزم ما وضعه لا نشاء ملحه او ذم فنه بانعم و بیس  
 و شرطهما ان يكون الفاعل معرفا بالامر او مضافا  
 الى المعرف بها او مضمرا ميمز ابتكرة منصوبة او بامثل  
 فتحملها و بعد ذلك المخصوص هو مبتدأ ما قبل خبره  
 او خبر مبتدأ محذوف مثل نعم الرجل زيد و شرطه  
 مطابقة الفاعل بیس مثل لقوم الذين كذبوا و شبه  
 متاول وقد يحذف المخصوص اذا علم مثل نعم العبد

و الباء للتعدي و زائدة ففیه ضمیر افعال ملحه  
 والزم ما وضعه لا نشاء ملحه او ذم فنه بانعم و بیس  
 و شرطهما ان يكون الفاعل معرفا بالامر او مضافا  
 الى المعرف بها او مضمرا ميمز ابتكرة منصوبة او بامثل  
 فتحملها و بعد ذلك المخصوص هو مبتدأ ما قبل خبره  
 او خبر مبتدأ محذوف مثل نعم الرجل زيد و شرطه  
 مطابقة الفاعل بیس مثل لقوم الذين كذبوا و شبه  
 متاول وقد يحذف المخصوص اذا علم مثل نعم العبد



لیکن فیصل

وَقِنْعُ الْمَاهِدُونَ وَسَاءَ مَثَلُ بَشَرٍ مِّنْهَا حَبْدًا وَفَاعِلٌ  
لے من افعال اللوح والذم ۱۲

وَقِنْعُ الْمَاهِدُونَ وَسَاءَ مَثَلُ بَشَرٍ مِّنْهَا حَبْدًا وَفَاعِلٌ  
لے من افعال اللوح والذم ۱۲  
ذَاوَلَا يَتَغَيَّرُ وَبَعْدَ الْمَخْصُوصِ وَاعْرَابُ كَاعْرَابِ مَخْصُوصٍ  
نعم ويجوز ان يقع قبل المخصوص وبعد تمييزا  
حَالٌ عَلَى وَفْقِ مَخْصُوصِ الْحَرْفِ مَا دَلَّ عَلَى مَعْنَى  
فِي غَيْرِهِ وَمِنْ تَحَاكُّرٍ فِي جَزْئِيَّتِهِ إِلَى اسْمٍ أَوْ فِعْلٍ  
لے من اجل التكرار على معنى في غيره ۱۲  
حُرُوفُ الْحَرْفِ مَا وَضَعَ لِلْإِفْضَاءِ بِفِعْلٍ أَوْ مَعْنَى إِلَى الْإِثْبَاتِ  
البار التقدية لان الافعال لا تسمى اى الى مدح ۱۲  
وَهِيَ مِمَّنْ وَالْيَ وَحَتَّى وَفِي وَالْبَاءُ وَاللَّامُ وَرَبٌّ  
لے حرف الجر ۱۲  
وَوَاوُهَا وَوَاوُ الْقِسْمِ وَبَاءُهَا وَتَاءُهَا وَعَنْ وَعَلَى

فعل  
لے من افعال اللوح والذم ۱۲  
نعم ويجوز ان يقع قبل المخصوص وبعد تمييزا  
حَالٌ عَلَى وَفْقِ مَخْصُوصِ الْحَرْفِ مَا دَلَّ عَلَى مَعْنَى  
فِي غَيْرِهِ وَمِنْ تَحَاكُّرٍ فِي جَزْئِيَّتِهِ إِلَى اسْمٍ أَوْ فِعْلٍ  
لے من اجل التكرار على معنى في غيره ۱۲  
حُرُوفُ الْحَرْفِ مَا وَضَعَ لِلْإِفْضَاءِ بِفِعْلٍ أَوْ مَعْنَى إِلَى الْإِثْبَاتِ  
البار التقدية لان الافعال لا تسمى اى الى مدح ۱۲  
وَهِيَ مِمَّنْ وَالْيَ وَحَتَّى وَفِي وَالْبَاءُ وَاللَّامُ وَرَبٌّ  
لے حرف الجر ۱۲  
وَوَاوُهَا وَوَاوُ الْقِسْمِ وَبَاءُهَا وَتَاءُهَا وَعَنْ وَعَلَى

وَوَاوُهَا وَوَاوُ الْقِسْمِ وَبَاءُهَا وَتَاءُهَا وَعَنْ وَعَلَى

وَوَاوُهَا وَوَاوُ الْقِسْمِ وَبَاءُهَا وَتَاءُهَا وَعَنْ وَعَلَى



Handwritten marginal notes at the top of the page, including the title 'کتاب فی التعلیل' (Book in the Cause) and various introductory remarks in Persian script.

Vertical marginal notes on the left side of the page, providing commentary and explanations for the main text.

الكاف و مذ و منذ و خلا وعدا وحاشا فمن لا مبتدا

والتبيين والتبعض زائدة في غير الوجه خلافا

للكوفيين والاعفش قد كان من مظهر شبه

متاؤل والى لانهاء وبعنه مع قليلا وحش كذا

وبعنه مع كثيرا ويختص بالظاهر خلافا للبروفى

للظرفية وبعنه على قليلا والباء للاصا والاستعنا

والمصاحبة والمقابلة والتعدي والظرفية وزائدة

في الخبر في الاستفهام والنفي قياسا وفي غير سماعا

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the page, continuing the commentary and analysis of the main text.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, including a detailed explanation of the grammatical rules discussed in the main text.



واین کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

نحو حسبك زيد والقيد واللام للاختصاص والتعليل  
لے حسبك زيد ۱۲

وبمعنى عن مع القول وزائدة وبمعنى الواو فى القسم

للتعجب ورتب للتقليل ولهاصل الكلام مختصة بنكرة  
لے لا تشاء ۱۳  
ای تقلیل افراد داخل علیہ ۱۴

موصوفة على الاصره وفعلها ما مضى وعلاوبا وقد  
اور مانا غایب ۱۵  
خدا غایب ۱۶

تدخل على مضمير مبهم مميز بنكرة منصوبة والضمير مفرد

مذكر خلافا للكوفيين فى مطابقة التمييز وتلقها  
ای ۱۷

ما فتدخل على الجمل واوها تدخل على نكرة موصوفة  
لے رب بعد موقوف ۱۸

وواو القسم انما تكون عند حذف الفعل لغير السوال

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست

و این کلام در بیان  
درین کلام مذکور است  
لازم نیست



منذ يومنا وحاشا وعدا وخللا لاستثناء

مختصة بالظاهر التاء مثلها مختصة باسم الله والباء  
اعلم منهما في الجميع ويتلق القسم بالامروان وحرف  
النف وقد يحذف جواب اذا اعترض او تقد ما يدل  
عليه وعن الجوازنة وعلى الاستعلاء وقد يكونان  
اسمين بدخول من والكاف للتشبيه زائدة وقد  
تكون اسما وتختص بالظاهر فمن ومن الزمان لا ابتداء  
في لماضي الظرفية في الحاضر نحو ما رايته من شهرنا و  
منذ يومنا وحاشا وعدا وخلا للاستثناء الحروف المشبهة



نظائر آن و در میان آن  
مستحقان بلند هر دو  
جانب که

نظائر آن و در میان آن  
مستحقان بلند هر دو  
جانب که

بالفعل هي ان وان وكان ولكن ليت لعل لها  
نظا و معنی ۱۱  
صل الكلام مسي ان في بعكسها وتلحقها ما فتلغى  
عليه ۱۲  
على الافصح وتدخل حينئذ على الافعال فان لا تغير  
لے ۱۳  
معنى الجملة وان مع جملة ما في حكم المفرد ومن ثم وجب  
الكسر في موضع الجمل والفتحة في موضع المفرد فكسر  
ابتداء وبعد لقول الموصول وفتحت فاعلتا  
بمعنى ۱۴  
مفعولة ومبتدأ ومضافا اليها وقالوا لولا انك لان  
مبتدأ ولولا انك لانه فاعل ان جاز التقدير ان جاز

نظائر آن و در میان آن  
مستحقان بلند هر دو  
جانب که

نظائر آن و در میان آن  
مستحقان بلند هر دو  
جانب که



الاصلان نحو من يكرمني فاني كرمه و مع اذا نه عبد القفا  
 والله هازمه وشبهه ولذلك جاز العطف على اسم المكسوة  
 لفظا وحكما بالرفع دون المفتوح وتوحيش مطم  
 اخبر لفظا وتقدير اخلا فاللکوفین ولا اثر لکن  
 فبنيا خلا فالسیرد والکسانی فی مثل تک وزید  
 ذاهبان ولكن کذلک ولذلک دخلت اللام  
 مع المكسوة دونها على الخبر والاسم اذا فصل  
 بينه وبينها او على ما بينهما وفي لکن ضعيف وتخفف

واما قوله فاني كرمه و مع اذا نه عبد القفا  
 فانه من قوله فاني كرمه و مع اذا نه عبد القفا  
 واما قوله والله هازمه وشبهه ولذلك جاز العطف على اسم المكسوة  
 فانه من قوله والله هازمه وشبهه ولذلك جاز العطف على اسم المكسوة  
 واما قوله لفظا وحكما بالرفع دون المفتوح وتوحيش مطم  
 فانه من قوله لفظا وحكما بالرفع دون المفتوح وتوحيش مطم  
 واما قوله اخبر لفظا وتقدير اخلا فاللکوفین ولا اثر لکن  
 فانه من قوله اخبر لفظا وتقدير اخلا فاللکوفین ولا اثر لکن  
 واما قوله فبنيا خلا فالسیرد والکسانی فی مثل تک وزید  
 فانه من قوله فبنيا خلا فالسیرد والکسانی فی مثل تک وزید  
 واما قوله ذاهبان ولكن کذلک ولذلک دخلت اللام  
 فانه من قوله ذاهبان ولكن کذلک ولذلک دخلت اللام  
 واما قوله مع المكسوة دونها على الخبر والاسم اذا فصل  
 فانه من قوله مع المكسوة دونها على الخبر والاسم اذا فصل  
 واما قوله بينه وبينها او على ما بينهما وفي لکن ضعيف وتخفف  
 فانه من قوله بينه وبينها او على ما بينهما وفي لکن ضعيف وتخفف



مقصود استقال است  
مقصود استقال است  
مقصود استقال است

مقصود استقال است  
مقصود استقال است  
مقصود استقال است

المكسوة فيلزمها اللام ويجوز الغاءها ويجوز دخولها

على فعل من افعال لمبتدأ خلافا للكو فيز في التعميم

وتخفف المفتوحة فتعمل في ضمير شان مقدرا فتدخل

على الجمل مطلقا وشذائعا لها في غير ويلزمها مع الفعل

السين او سوف او قد او حرف النفي وكان للتشبيه

وتخفف فتلغ على الا فصر ولكن للاستدراك تنو

بين كلامين متغايرين معنى وتخفف فتلغ ويجوز

معها الواو وكيت للتمه واجاز القراءت زيدا قائما

مقصود استقال است  
مقصود استقال است  
مقصود استقال است

مقصود استقال است  
مقصود استقال است  
مقصود استقال است

مقصود استقال است  
مقصود استقال است  
مقصود استقال است



وَعَلَّ لِلتَّرْجِيحِ شِدَّاجَرِّهَا الْخَرُّ وَالْعَاطِفَةُ

وَهِيَ الْوَاوُ وَالْفَاءُ وَتَمَّ وَحَتَّى أَوْوَلًا قَامَ وَلَا وَبَلْ لَكِنْ

فَالْمَرْبُوعَةُ الْأَوَّلُ لِلْجَمْعِ فَالْوَاوُ لِلْجَمْعِ مطلقاً ترتيباً

وَالْفَاءُ لِلتَّرْتِيبِ ثُمَّ مِثْلُهَا بِمُهْلَةٍ وَحَتَّى مِثْلُهَا وَمَعْطُوفٌ

جُزْءٌ مِنْ مُتَبَوِّعٍ لِيَقْدِرَ قُوَّةً أَوْ ضَعْفًا أَوْ وَاوًا قَامَ

لِأَحَدٍ لَا فَرِيقَ مِثْلُهَا وَأَوَّالٌ مُتَصِلٌ لَا فَرِيقَ لَهُمُ الْإِسْتِفْهَامُ

يَلِيهَا أَحَدٌ مُسْتَوِيَيْنِ وَالْآخِرُ الْهَمْزَةُ بَعْدَ ثَبُوتِ أَحَدٍ

لِطَلْبِ التَّعْيِينِ وَمَنْ تَمَّ كَرَجْرٍ أَرَايْتَ زَيْدًا أَمْعَمًا

وَعَلَّ لِلتَّرْجِيحِ شِدَّاجَرِّهَا الْخَرُّ وَالْعَاطِفَةُ  
وَهِيَ الْوَاوُ وَالْفَاءُ وَتَمَّ وَحَتَّى أَوْوَلًا قَامَ وَلَا وَبَلْ لَكِنْ  
فَالْمَرْبُوعَةُ الْأَوَّلُ لِلْجَمْعِ فَالْوَاوُ لِلْجَمْعِ مطلقاً ترتيباً  
وَالْفَاءُ لِلتَّرْتِيبِ ثُمَّ مِثْلُهَا بِمُهْلَةٍ وَحَتَّى مِثْلُهَا وَمَعْطُوفٌ  
جُزْءٌ مِنْ مُتَبَوِّعٍ لِيَقْدِرَ قُوَّةً أَوْ ضَعْفًا أَوْ وَاوًا قَامَ  
لِأَحَدٍ لَا فَرِيقَ مِثْلُهَا وَأَوَّالٌ مُتَصِلٌ لَا فَرِيقَ لَهُمُ الْإِسْتِفْهَامُ  
يَلِيهَا أَحَدٌ مُسْتَوِيَيْنِ وَالْآخِرُ الْهَمْزَةُ بَعْدَ ثَبُوتِ أَحَدٍ  
لِطَلْبِ التَّعْيِينِ وَمَنْ تَمَّ كَرَجْرٍ أَرَايْتَ زَيْدًا أَمْعَمًا

وَعَلَّ لِلتَّرْجِيحِ شِدَّاجَرِّهَا الْخَرُّ وَالْعَاطِفَةُ  
وَهِيَ الْوَاوُ وَالْفَاءُ وَتَمَّ وَحَتَّى أَوْوَلًا قَامَ وَلَا وَبَلْ لَكِنْ  
فَالْمَرْبُوعَةُ الْأَوَّلُ لِلْجَمْعِ فَالْوَاوُ لِلْجَمْعِ مطلقاً ترتيباً  
وَالْفَاءُ لِلتَّرْتِيبِ ثُمَّ مِثْلُهَا بِمُهْلَةٍ وَحَتَّى مِثْلُهَا وَمَعْطُوفٌ  
جُزْءٌ مِنْ مُتَبَوِّعٍ لِيَقْدِرَ قُوَّةً أَوْ ضَعْفًا أَوْ وَاوًا قَامَ  
لِأَحَدٍ لَا فَرِيقَ مِثْلُهَا وَأَوَّالٌ مُتَصِلٌ لَا فَرِيقَ لَهُمُ الْإِسْتِفْهَامُ  
يَلِيهَا أَحَدٌ مُسْتَوِيَيْنِ وَالْآخِرُ الْهَمْزَةُ بَعْدَ ثَبُوتِ أَحَدٍ  
لِطَلْبِ التَّعْيِينِ وَمَنْ تَمَّ كَرَجْرٍ أَرَايْتَ زَيْدًا أَمْعَمًا



ی نامشکل از این امر معلوم می شود  
که هر چه در این کتاب است  
بنا بر اینست که هر چه در این کتاب است  
بنا بر اینست که هر چه در این کتاب است

و من ثم کان جوابها بالتعین دون نعم او لا  
ای لاجل انها لطلب التعین بعد العلم بثبوت احد المستویین عند الحكم ۱۲

و من ثم کان جوابها بالتعین دون نعم او لا

و المنقطعة کبل في الهمة مثل نهال ایل لم شاء و اما

قبل لمعطوف عليه لانه مع اما جائرة مع او و لا و ل

و لکن لاحد هما معینا و لکن لانه للنفس حروف التنبيه

الاول و اما و هاخر و فالنداء يا اعمها و ايا و هيما للبعید

و الهمة للقريب حروف الايجاب نعم و بلی و ای و اجل

و جیز و ان فنع مقرر لما سبقها و بلی مختصة يا يجا

النفس و ای للاثبات بعد الاستفهام و يلزمها القسم

ای ذکر القسم ۱۲

و من ثم کان جوابها بالتعین دون نعم او لا  
ای لاجل انها لطلب التعین بعد العلم بثبوت احد المستویین عند الحكم ۱۲  
و المنقطعة کبل في الهمة مثل نهال ایل لم شاء و اما  
قبل لمعطوف عليه لانه مع اما جائرة مع او و لا و ل  
و لکن لاحد هما معینا و لکن لانه للنفس حروف التنبيه  
الاول و اما و هاخر و فالنداء يا اعمها و ايا و هيما للبعید  
و الهمة للقريب حروف الايجاب نعم و بلی و ای و اجل  
و جیز و ان فنع مقرر لما سبقها و بلی مختصة يا يجا  
النفس و ای للاثبات بعد الاستفهام و يلزمها القسم  
ای ذکر القسم ۱۲

و من ثم کان جوابها بالتعین دون نعم او لا  
ای لاجل انها لطلب التعین بعد العلم بثبوت احد المستویین عند الحكم ۱۲

و من ثم کان جوابها بالتعین دون نعم او لا  
ای لاجل انها لطلب التعین بعد العلم بثبوت احد المستویین عند الحكم ۱۲







[illegible]



وَأَنْ تَوْسُطُ بِتَقْلِيدِ الشَّرْطِ أَوْ غَيْرِهِ جَازٌ أَنْ يُعْتَبَرَ أَنْ  
 لَمْ يُعْتَبَرِ الشَّرْطُ

[illegible]

و لسان ما

[illegible][illegible]



حقاً تاء التانيث الساكنة تلحق لماضى لتانيث

ای القسم او الشرط

جواب القسم ۱۲

للكماله تعالى بين حرفي الشرح والجزء

114

بالرفع صفة تاو ۱۲

[illegible]



المسند اليه فان كان ظاهراً غير حقيقه فخير واما  
 الحاق علامة التثنية والجمعين فضعيف التثنية  
 نون ساكنة تتبع حركة الاخر لا التاكيد الفعل هو التمكن  
 والتذكير والعوض والمقابلة والترنم ويحذف من  
 العلم موصوفاً بابين مضافاً الى علم اخر نون التاكيد  
 خفيفة ساكنة ومشددة مفتوحة مع غير الالف تختص  
 بالفعل المستقبل في الامر والفهم والاستفهام والقنن  
 والعرض القسم وقلت في النفي ولزمت في مثبت القسم

المسند اليه فان كان ظاهراً غير حقيقه فخير واما  
 الحاق علامة التثنية والجمعين فضعيف التثنية  
 نون ساكنة تتبع حركة الاخر لا التاكيد الفعل هو التمكن  
 والتذكير والعوض والمقابلة والترنم ويحذف من  
 العلم موصوفاً بابين مضافاً الى علم اخر نون التاكيد  
 خفيفة ساكنة ومشددة مفتوحة مع غير الالف تختص  
 بالفعل المستقبل في الامر والفهم والاستفهام والقنن  
 والعرض القسم وقلت في النفي ولزمت في مثبت القسم

المسند اليه فان كان ظاهراً غير حقيقه فخير واما  
 الحاق علامة التثنية والجمعين فضعيف التثنية  
 نون ساكنة تتبع حركة الاخر لا التاكيد الفعل هو التمكن  
 والتذكير والعوض والمقابلة والترنم ويحذف من  
 العلم موصوفاً بابين مضافاً الى علم اخر نون التاكيد  
 خفيفة ساكنة ومشددة مفتوحة مع غير الالف تختص  
 بالفعل المستقبل في الامر والفهم والاستفهام والقنن  
 والعرض القسم وقلت في النفي ولزمت في مثبت القسم

المسند اليه فان كان ظاهراً غير حقيقه فخير واما  
 الحاق علامة التثنية والجمعين فضعيف التثنية  
 نون ساكنة تتبع حركة الاخر لا التاكيد الفعل هو التمكن  
 والتذكير والعوض والمقابلة والترنم ويحذف من  
 العلم موصوفاً بابين مضافاً الى علم اخر نون التاكيد  
 خفيفة ساكنة ومشددة مفتوحة مع غير الالف تختص  
 بالفعل المستقبل في الامر والفهم والاستفهام والقنن  
 والعرض القسم وقلت في النفي ولزمت في مثبت القسم







اللهي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفره الموشحات الساجية تنقسم على الاكثر من ذكرها لهننا بحيث لا يبقى منها الا نادرا وترتب على ترتيب حروف

بجاء باب الف اذن جميع امان اربك امام ال ارض السن ايهام اجار ازار ابل افنى افعى افعى

روى الطاريف اثر اسقط است اربعار باب الباء ببر بقر بغير يجوز تذکیر و تا نیت منصر  
بضم تین بضم کون ۱۱ زنه ۱۲ میدان ۱۳ جنگ ۱۴ زمین ۱۵ انگشت ۱۶ سر ۱۷ شتر ۱۸ اسب سفید ۱۹  
دک ۲۰ اردو ۲۱

بعضی طرح بلد بغل خیل بساط باؤل بریاع باب لکھن تبران تلخ تمزیکر دیونث باب لکھن

شماره اول و ثعلب پیکر و یونث و ثعبان کذاک تمام شهر لکشا ثریا ثقب ثانب باب الحکم جواد حیم

جہان جہیم باب الحاء حروف حانوت حذیر ایا الحاء و الحام فیند کرو یونٹ باب

اخا خیل خمر و شمع اسماء الخمر و صفاتها باب الدال و در وار ملو باب الدال فرع نیکرو یونث

فروع ذکر جنوب و یونٹ باب الاربع و جمیع اسما ہا کا جنوب و شمال و غیرہ باب

باب الحاشیة و السلام کذا کرا و علی مجموع سطر باب الحاشیة شمال و شمس و شعیب نیک و یونث باب

الصا و صر ا صاع صوف صود باب الصا و ضبع ضت باب لطا طريق و طفر

نیکرویونت طاغوت کاؤس طیر باب لظا رظ ظہور ظہر باب العین عضد عناق عجز و عمل

عروض محرق عرب قتال عیب عرس عجم عطش عشاق عشق و نیز کرم عضا عنکبوت باب

المؤمن غفر يا بلفا فخذ فروس فلک فخت فارس فارس فید فرق باب العاف

نفاذ کوی قدرت قضاوت قدم قبل قزقم قدام قلب قول باب لکاف

نکته در این کتاب که گفتیم که این کتاب در باب الاسلام می باشد و در این کتاب  
 در این کتاب که گفتیم که این کتاب در باب الاسلام می باشد و در این کتاب  
 در این کتاب که گفتیم که این کتاب در باب الاسلام می باشد و در این کتاب

1420

[illegible]



۱۰۰  
عروض کمراند چندی  
و منیران شعر و ادب  
است و نام یکدیگر  
و ناکه ریاضت نیافت  
باشند اص  
و بهیض فایض  
بنا بر زده  
تبریز  
تا که زده  
ضرب بالخورشید  
۱۰۱  
۱۰۲  
۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵  
۱۰۶  
۱۰۷  
۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴  
۱۲۵  
۱۲۶  
۱۲۷  
۱۲۸  
۱۲۹  
۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰  
۲۰۱  
۲۰۲  
۲۰۳  
۲۰۴  
۲۰۵  
۲۰۶  
۲۰۷  
۲۰۸  
۲۰۹  
۲۱۰  
۲۱۱  
۲۱۲  
۲۱۳  
۲۱۴  
۲۱۵  
۲۱۶  
۲۱۷  
۲۱۸  
۲۱۹  
۲۲۰  
۲۲۱  
۲۲۲  
۲۲۳  
۲۲۴  
۲۲۵  
۲۲۶  
۲۲۷  
۲۲۸  
۲۲۹  
۲۳۰  
۲۳۱  
۲۳۲  
۲۳۳  
۲۳۴  
۲۳۵  
۲۳۶  
۲۳۷  
۲۳۸  
۲۳۹  
۲۴۰  
۲۴۱  
۲۴۲  
۲۴۳  
۲۴۴  
۲۴۵  
۲۴۶  
۲۴۷  
۲۴۸  
۲۴۹  
۲۵۰  
۲۵۱  
۲۵۲  
۲۵۳  
۲۵۴  
۲۵۵  
۲۵۶  
۲۵۷  
۲۵۸  
۲۵۹  
۲۶۰  
۲۶۱  
۲۶۲  
۲۶۳  
۲۶۴  
۲۶۵  
۲۶۶  
۲۶۷  
۲۶۸  
۲۶۹  
۲۷۰  
۲۷۱  
۲۷۲  
۲۷۳  
۲۷۴  
۲۷۵  
۲۷۶  
۲۷۷  
۲۷۸  
۲۷۹  
۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲  
۲۸۳  
۲۸۴  
۲۸۵  
۲۸۶  
۲۸۷  
۲۸۸  
۲۸۹  
۲۹۰  
۲۹۱  
۲۹۲  
۲۹۳  
۲۹۴  
۲۹۵  
۲۹۶  
۲۹۷  
۲۹۸  
۲۹۹  
۳۰۰  
۳۰۱  
۳۰۲  
۳۰۳  
۳۰۴  
۳۰۵  
۳۰۶  
۳۰۷  
۳۰۸  
۳۰۹  
۳۱۰  
۳۱۱  
۳۱۲  
۳۱۳  
۳۱۴  
۳۱۵  
۳۱۶  
۳۱۷  
۳۱۸  
۳۱۹  
۳۲۰  
۳۲۱  
۳۲۲  
۳۲۳  
۳۲۴  
۳۲۵  
۳۲۶  
۳۲۷  
۳۲۸  
۳۲۹  
۳۳۰  
۳۳۱  
۳۳۲  
۳۳۳  
۳۳۴  
۳۳۵  
۳۳۶  
۳۳۷  
۳۳۸  
۳۳۹  
۳۴۰  
۳۴۱  
۳۴۲  
۳۴۳  
۳۴۴  
۳۴۵  
۳۴۶  
۳۴۷  
۳۴۸  
۳۴۹  
۳۵۰  
۳۵۱  
۳۵۲  
۳۵۳  
۳۵۴  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۵۷  
۳۵۸  
۳۵۹  
۳۶۰  
۳۶۱  
۳۶۲  
۳۶۳  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۶  
۳۶۷  
۳۶۸  
۳۶۹  
۳۷۰  
۳۷۱  
۳۷۲  
۳۷۳  
۳۷۴  
۳۷۵  
۳۷۶  
۳۷۷  
۳۷۸  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲  
۳۸۳  
۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۶  
۳۸۷  
۳۸۸  
۳۸۹  
۳۹۰  
۳۹۱  
۳۹۲  
۳۹۳  
۳۹۴  
۳۹۵  
۳۹۶  
۳۹۷  
۳۹۸  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۱  
۴۰۲  
۴۰۳  
۴۰۴  
۴۰۵  
۴۰۶  
۴۰۷  
۴۰۸  
۴۰۹  
۴۱۰  
۴۱۱  
۴۱۲  
۴۱۳  
۴۱۴  
۴۱۵  
۴۱۶  
۴۱۷  
۴۱۸  
۴۱۹  
۴۲۰  
۴۲۱  
۴۲۲  
۴۲۳  
۴۲۴  
۴۲۵  
۴۲۶  
۴۲۷  
۴۲۸  
۴۲۹  
۴۳۰  
۴۳۱  
۴۳۲  
۴۳۳  
۴۳۴  
۴۳۵  
۴۳۶  
۴۳۷  
۴۳۸  
۴۳۹  
۴۴۰  
۴۴۱  
۴۴۲  
۴۴۳  
۴۴۴  
۴۴۵  
۴۴۶  
۴۴۷  
۴۴۸  
۴۴۹  
۴۵۰  
۴۵۱  
۴۵۲  
۴۵۳  
۴۵۴  
۴۵۵  
۴۵۶  
۴۵۷  
۴۵۸  
۴۵۹  
۴۶۰  
۴۶۱  
۴۶۲  
۴۶۳  
۴۶۴  
۴۶۵  
۴۶۶  
۴۶۷  
۴۶۸  
۴۶۹  
۴۷۰  
۴۷۱  
۴۷۲  
۴۷۳  
۴۷۴  
۴۷۵  
۴۷۶  
۴۷۷  
۴۷۸  
۴۷۹  
۴۸۰  
۴۸۱  
۴۸۲  
۴۸۳  
۴۸۴  
۴۸۵  
۴۸۶  
۴۸۷  
۴۸۸  
۴۸۹  
۴۹۰  
۴۹۱  
۴۹۲  
۴۹۳  
۴۹۴  
۴۹۵  
۴۹۶  
۴۹۷  
۴۹۸  
۴۹۹  
۵۰۰  
۵۰۱  
۵۰۲  
۵۰۳  
۵۰۴  
۵۰۵  
۵۰۶  
۵۰۷  
۵۰۸  
۵۰۹  
۵۱۰  
۵۱۱  
۵۱۲  
۵۱۳  
۵۱۴  
۵۱۵  
۵۱۶  
۵۱۷  
۵۱۸  
۵۱۹  
۵۲۰  
۵۲۱  
۵۲۲  
۵۲۳  
۵۲۴  
۵۲۵  
۵۲۶  
۵۲۷  
۵۲۸  
۵۲۹  
۵۳۰  
۵۳۱  
۵۳۲  
۵۳۳  
۵۳۴  
۵۳۵  
۵۳۶  
۵۳۷  
۵۳۸  
۵۳۹  
۵۴۰  
۵۴۱  
۵۴۲  
۵۴۳  
۵۴۴  
۵۴۵  
۵۴۶  
۵۴۷  
۵۴۸  
۵۴۹  
۵۵۰  
۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰  
۶۰۱

عن الامام غانم